



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه شنبه ( ۱۱ ) دیماه ۱۳۵۲

### فهرست مطالب:

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
- ۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور .
- ۳- تصویب صورت جلسه صبح روز شنبه (۸) دیماه ۱۳۵۲ .
- ۴- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور .
- ۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس ساعت نه صبح برباست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

### ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

( بشرح زیر خوانده شد )

### غائبین با اجازه - آقایان :

احتشامی - مهندس اسدی لنگرودی - اسعد رزم آرا  
امیر احمدی - پدramی - دکتر پرتو اعظم - مهندس پروشانی  
جعفری - چنگیزی - حق شناس - ذوالفقاری - دکتر سعید  
عبدالحسین طباطبائی - دکتر عظیمی - فرنود - فضائلی -  
موقر - زرین پور - مخانم ابراهیمی - خانم اقبال - خانم  
دکتر طالقانی - خانم دکتر سرخوش .

### غائبین با اجازه

آقای شیخ بهائی .

### غائبین مریض - آقایان :

نوسلی - جوانشیر - جهانی - خانقاهی - امیر علم  
خزیمه - اسمعیل خزیمه - مهندس حسین خسروی - حسام

رضوی - ریگی - دکتر رفیعی - مهندس عباس زاهدی -  
سعیدوزیری - دکتر شریف امامی - مهندس عطائی - کمالوند  
دکتر مشایخی - مهرزاد - خانم اسدی - خانم مزارعی  
خانم ضرابی .

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری  
کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال  
۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور .

رئیس - وارد دستور میشویم کلیات لایحه بودجه  
اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مطرح  
است آقای شیخ رضائی بفرمائید .

شیخ رضائی - با اجازه مقام محترم ریاست و  
همکاران گرامی ، در جلسه گذشته صحبت بر این بود که اگر  
شهرداری قولی ب مردم میدهد در فکر انجام آن هم باشد .  
مثلا در جلسه ۵۰/۸/۲۶ انجمن شهر ، جناب شهردار  
درباره میدان میوه و تره بار قول داده بود که انجام آن و  
ساختن آن شروع شود . می بینم تا این تاریخ از این

میدان خبری نیست. دوستان عزیز، اصلاً من پیشنهاد می‌کنم این شهرداری اگر يك ساختمانی نباید ساخته بشود، بیاید معایب این ساختمان را قبل از شروعش تذکردهد. شما می‌بینید که درو بروی پارک ساعی يك پمپ‌بترین ساخته شده و الان موقع بهره برداری آن است، مشکل درباره خروج ماشین‌هاست و باید آن درختهای کهنسال را قطع کنند. قبل از اینکه این پمپ بترین ساخته بشود شهرداری بصاحب آن این تذکره را نمیدهد که اگر بخواهی اینجا پمپ بترین سازی، نمیتوانی و باید بعضی از درختان این خیابان را قطع کنی. بنده برخلاف عقیده بعضی از دوستان که بمن تذکره میدهند باجناب شهردار اختلافی ندارم. ایشان شاید مرا ببینند نشاسند. ولی من از خانم پارسای خواهش می‌کنم درباره ساختمانهای آموزش مدارس وزارت آموزش و پرورش تکلیفش را با شهرداری معلوم کند. يك مدرسه دیگر نیمه کاره است می‌پرسم میگویند از ساختمان حق پارکینگ میخواهند، ساختمان آموزشی است باید اینها کمک کنند تا ساختمان ساخته شود. شهرداری باید مشکلات را در مورد ساختمانهای آموزشی برطرف کند نه اینکه بیاید جلوی این ساختمانها را بگیرد. در جلسه مورخ ۲۷/۱۱/۵۰ آقای شهردار میفرمایند برای اجرای بهتر برنامه‌های شهری مردم باید عوارض بیشتر بدهند و همکاری بیشتری بکنند. چقدر باید عوارض بدهند؟ چقدر باید کمک کنند؟ چقدر باید عوارض سطح شهر و پارکینگ و غیره و غیره بدهند؟ در خیابان ایرانشهر مدرسه‌ای ساخته میشد از طرف وزارت آموزش و پرورش، مدرسه دولتی است، مدتی مثل ابنیه تاریخی ساختمانش نیمه تمام بود. پرسیدم چرا ساخته نمیشود؟ گفتند شهرداری مخالفت کرده است، مدرسه است، مخالفت کردن با ساختمان مدرسه گمان نکنم درست باشد محل تحصیل بچه‌هاست. البته بنده نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم. مطلب دیگری عرض میکنم خلاصه می‌آیند از ساختمان آن جلوگیری می‌کنند. اول جاده شاهراه ونک از طرف نواب توی خیابان، یعنی قسمتی از خیابان، از زمینهای شهرداری را گرفته‌اند برای پمپ بترین آنجا اینکار آزاد است ولی جای دیگری نباید باشد. نبش زعفرانیه و پهلوی يك ساختمان را شروع کرده‌اند بعد يك تابلو زده‌اند بعنوان

شهرداری نمی‌گذارد سؤال دارم اصلاً اختلاف شهرداری با آموزش و پرورش چیست؟ حلش کنید. هر ساختمان آموزش و پرورش که جلومی‌آید از طرف شهرداری مانعی برایش ایجاد میشود. مقررات را وزارت آموزش و پرورش اجرا نمی‌کند؟ نمیدانم او مقررات را اجرا نمی‌کند ولی بازی می‌نماید نمیدانم با آقای شهردار سلیقه‌اش در نظر گرفته نمیشود؟ نمیدانم! نمی‌خواهم وقتان را بگیرم. جناب دکتر مجیدی: يك مطلبی است، من تقدیم می‌کنم يك سهل‌انگاری است، يك کم کاری است. جناب قوام صدی عزیز اگر این را باز کنید و تیرش را بخوانید و زیرش بنویسید به فلان اداره مراجعه شود فایده ندارد خود من رقوم و به همان اداره مراجعه کردم جواب نمی‌دادند. من این را فقط به خودتان می‌دهم که که مطالعه کنید. میدانم مطالعه می‌فرمائید. يك دفعه این ۵۴ صفحه کاغذ را بخوانید. مردم انتظار دارند، آن وقتی را که برای مطالعه کتابها گذاشتید، این را هم بخوانید، ببینید چه سهل‌انگاری‌هایی در کارهای مردم میشود (ناطق پاکتی را به آقای قوام صدی تسلیم کردند) بنده مراجعه کردم، به آقای دکتر دادفر هم تعریف می‌کردم بعد از گزارش بودجه از پله‌ها بالا می‌رفتیم، یکی از این مراجعه کنندگان را برای معرفی به فلان اداره‌ای پدر خودم معرفی کردم، جناب عالی گفتید عجیب است: من این را مطرح نمی‌کنم. در مورد حوزه انتخابیه ام، آقای مجیدی، چندمطلب مهم است. آقای نخست‌وزیر قول داده بودند بیایند گرمسار، اگر آقای نخست‌وزیر بیایند گرمسار آب آشامیدنی که ایشان و همکارانشان باید بخورند، باید از تهران ببریم. طبق گزارشی که وزارت بهداشت داده آبی که آنجا برای آشامیدن مردم است قابل شرب نیست. این گزارش سازمان برنامه است که حق اولویت هم قائل شده‌اند برای گرمسار که اجرای شبکه آبیاری در سال ۵۰ شروع و در سال ۵۱ خاتمه پذیرد، هنوز خبری از آن نیست. ساختمان شبکه آبیاری از سال ۱۳۵۲ شروع و در پایان سال ۱۳۵۴ خاتمه پذیرد، از شروعش هم خبری نیست! این گزارش گزارش سازمان برنامه است که حق اولویت هم قائل شده‌اند. حفر چاه‌های جدید از سال ۱۳۵۲ شروع و در مدت دو سال خاتمه پذیرد، هیچ خبری نیست!

گزارش زیاد است، ششم نمی‌خواهم وقت مجلس را بگیرم، ولی این سؤال را از آقای دکتر مجیدی دارم. وقتیکه سازمان برنامه راجع به منطقه‌ای گزارش میدهد که حق اولویتی قائل بشود، چرا دستگاه‌های دیگر گوش نمی‌کنند و این را کنار می‌گذارند؟ به این گزارش‌ها باید احترام گذاشت. من برای يك مطلب برای شهر خودمان مراجعه میکنم، حق اولویت هم سازمان برنامه در نظر گرفته، می‌گویند حالا صلاح نیست، من سر در نیآوردم، خودم گنج شدم. اگر سازمان برنامه برای آب آشامیدنی گرمسار حق اولویت قائل است، دستگاه‌های دیگر چرا توجه نمی‌کنند؟ تلویزیون گرمسار را، خدمتتان بودم، قول دادید که هر چه زودتر شبکه درست میشود! آخرین صحبت من راجع به جوانان در خارج از کشور است. چندی پیش رفتم به ممالک خاور دور تنها خبری که سابقاً دست اینها بود خلاصه خیلی مختصر از خبرگزاری پارس بود که شنیده‌ام بجرايد اعم از فارسی و انگلیسی در خاورمیانه و کشورهای اروپائی فوری ارسال می‌کند، این کار بسیار خوبی است، ولی خیلی کم است باید تربیتی بدهید تا توسعه پیدا کند. باید از پیشرفتهای مملکتمان جزوه‌هایی تهیه کنیم و بوسیله دستگاه‌های مسئول بین این جوانان، جوانانی که دلشان برای ایران می‌سوزد و می‌طبد و عاشق شاه و وطن هستند توزیع شود. آندفعه در قسمت آموزش و پرورش صحبت می‌کردم، يك تعدادی جزوه چاپ کرده بودید برای امور ابتدائی، من پیشنهاد می‌کنم که این را بسفارتخانه‌ها در خارج بفرستید، چون دانشجویان برای مطلبی که دارند یا تزی که می‌خواهند بنویسند، به سفارتخانه مراجعه می‌کنند و اینها را می‌خواهند. اگر این مطالب چاپ شود در دستشان قرار گیرد بسیار خوب است مطلبی که در آخر کلام می‌گویم اینست که: اگر هزینه سرانه دانش آموزان منهای خرج ساختمانی را کنار بگذارید تصدیق می‌فرمائید که ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان میرسد خرج ساختمان کنار. باین جهت يك ستوالی برای من پیش می‌آید. سرکار خانم پارسای برای اینکه کیفیت را مطابقت با کمیت بکنید، باین قیمت یعنی خرج سرانه چکار می‌خواهید بکنید؟ چه نقشه و طرحی دارید؟ چه

برنامه‌ای دارید؟ عراضی هم کردم بر نامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی کردم. از فرد فرد همکاران عزیزم چه موافق و چه مخالف دولت، خیلی معذرت می‌خواهم که وقتان را گرفتم. اگر مطلبی هم در مورد دخانیات عرض کردم برای اینست که هر چه زودتر در دخانیات طرح طبقه‌بندی پیاده شود، آنچه در دخانیات مورد نظر است:

۱- تعطیلات قانونی سالیانه کارگران و این سؤال مطرح است که کارگران سالیانه چند روز حق استفاده از مرخصی دارند؟

۲- طبقه‌بندی مشاغل (متأسفانه اکنون در دخانیات جدولی اجرا میشود که در حدود سال ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ پایه‌گذاری شده است).

۳- وام مسکن کارگران.

۴- کارگران فنی پس از ۱۲ سال کار مداوم فنی و دیدن کلاسهای فنی قانونی باید حداقل یک درجه در ۱۲ سال کسب نمایند خدماتیکه متأسفانه پس از ۱۲ سال کار بجای ترقی یک ستون درباره دستمزد از حقوقشان کسر شده است.

اگر هم در مورد شرکت واحد صحبت میکنم برای اینست که در آنجا تبعیض قائل نشوند. من در باشگاه شرکت واحد نظر خصوصی بایچکس ندارم، نیتاید گزارش بکنید که این شخص در آنجا نبوده و ما او را در اختیار اداره اولش گذاشتیم. من گفتم حیف و میل نشود نیتاید این را بگوئید اگر بیکان خریدیم نقد است، برای مدیر مالی است ایشان وام گرفته و دو تا بیکان گرفته اند. من می‌گویم باید همه بتوانند این وام را بگیرند. کارندهم باید وام بگیرد جمعی را شاید وعده‌ای را شاید، نباشد. تمام مطالبی که عرض کردم برای پیشبرد کار است. اگر بوزارت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌کنم که بیاید بچه‌های معلم را مجانی در مدارس ثبت نام بکنید، برای اینست که معلم بیشتر دلگرم بشود. معذرت می‌خواهم، مطلبی دیگر را می‌خواهم بگویم، راجع بوزارت کشور، جناب قوام‌صدری بوزارت کشور برای کار حوزه‌ای رفته بودم. من اهل تعصب نیستم، روی تعصب صحبت نمی‌کنم، روی اعتقاد صحبت می‌کنم بلی، بوزارت کشور برای کار حوزه انتخابیه‌ام رفته بودم، من کار شخصی ندارم،

دیدم يك جا نوشته شده: مهد کودک. نوي وزارت کشور نوشته شده مهد کودک.

**يكنفر از نمایندگان** - برای کارمندان زن بوده است.

**شیخ‌رضایی** - اجازه بفرمائید حرفم تمام شود. من هنوز حرفم را تمام نکرده‌ام شما میدانید که من چه می‌خواهم بگویم؟ بفرمائید... در را باز کردم و با اجازه مسئول پرسیدم این محل برای چه منظور است؟ دیدم بچه‌های کوچک کارمندان آنجا هست. بدون هیچ تبلیغاتی و در هیچ روزنامه‌ای هم نوشته است بچه آن کارمندی که آنجا کار میکند و در منزل هم کسی را ندارد که از او نگهداری کند، می‌آورند از صبح تحویل آنجا می‌دهند عصر هم تحویل می‌گیرند. این بسیار کار خوبی است. من این را می‌خواستم بگویم. (يكنفر از نمایندگان - بسیار خوب است) اما وقتی پیشنهاد می‌کنم بچه معلم را در مدارس مجانی ثبت نام کنید نگوئید تبعیض قائل میشوی. مدرسه برای معلم، خانه خودش است بچه‌اش را کجا ببرد؟ این که نمیشود. باین جهت اگر صحبت و پیشنهادی می‌کنم روی اعتقاد است، روی تعصب نیست من حساب شخصی بایچکس ندارم. از مقام محترم ریاست و کلیه دوستان معذرت می‌خواهم. آن نامه را هم استدعا می‌کنم شخصاً مطالعه کنید. می‌بخشید - عرض دیگری ندارم (احسن - احسن).

**رئیس** - خانم جهانبانی تشریف بیاورید.

**بانو جهانبانی** - بنام خدا و بنام شاهنشاه آریامهر رهبر عالیقدر ملت ایران.

جناب آقای رئیس. همکاران محترم.

بی‌گمان تاج جهان هست ایران هست و فرهنگ درخشان و انسانی آن همیشه پایدار و با برجا و استوار خواهد بود. از آن زمانها که عدهٔ یشماري از کشورهای امروز را نام و نشانی نبود و از آن ایام که تاریخ پیاد دارد نام کشور کهنسال ایران بانام فرهنگ همراه و قرین بوده است و امروز نیز در هر کجا بحثی از سیر و معارف بشری بمیان آید بیگمان ایران و ایرانی بعنوان یکی از برگزیده‌ترین بنیانگذاران بلکه در خیلی از موارد تنها کن آن بحساب خواهد آمد. بیهوده نیست که در گذشته

ابرمردانی همچون بیرونی - زازی - ابن‌سینا فردوسی - سعدی و حافظ و مولوی و صدها امثال آنها را به عالم انسانیت تحویل داده‌ام. پادشاهان ایران را رسم بر آن بوده است که پیوسته فضلاء و دانشمندان را گرامی میداشتند و بر بسط و توسعه دانش همت میگماشتند. آنچه که امروز مورد بحث ماست تعمیم فرهنگ در عصر درخشان پهلویست یکی از ویژگیهای این عصر تعمیم دانش و فرهنگ است یعنی اگر در گذشته طبقه خاصی از تحصیل بهره‌مند بودند از شروع عصر فرخنده پهلوی و طلوع نایب تاریخ رضاشاه کبیر فرزندان همگان بمدرسه راه یافتند و تعلیم و تربیت جنبه عمومی یافت در دانشگاه بروی همه باز شد و در ایران که زمینه بطور کلی فراهم بود استقبال روز افزون مردم باین امر از حد تصور فزونی یافت و در اینجا وظیفه خود میدانم که بمناسبت تقارن دی‌ماه با آزادی زنان، درود بی‌پایان زنان ایران را بر او پاك رضاشاه کبیر آزادی‌بخش زنان ایران تقدیم دارم (احسن) انقلاب شاه و ملت که از رویدادهای بزرگ تاریخی ایران است موجب شد که برهبری رهبر انقلاب شاهنشاه آریامهر و باد نظر گرفتن سیاست مستقل ملی و آرامش و رفاه و امنیت و برخورداری مردم بخصوص طبقات محروم کشور از مزایای انسانی انقلاب و باینهمه شدن روستائیان از وجود سبایان دانش لزوم توجه بنوجوانان و جوانان که بیش از  $\frac{1}{5}$  جمعیت کشور را تشکیل میدهند بیش از پیش مورد نظر دولت قرار گرفت و توجه خاصی ببودجه وزارت آموزش و پرورش و اجرای برنامه‌های آن از نظر کمی و کیفی مبذول شد.

در بودجه ۱۰۸۹ میلیاردی دولت که قطعاً تاریخ نویسان و محققان از جهات عدیده این بودجه را مورد ملاحظه قرار خواهند داد و عظیم‌ترین بودجه در تاریخ بودجه نویسی ایران عنوان یافته است تنها بحث بودجه مطرح نبود، بلکه بحث اجرای برنامه‌های انسانی است که در این بودجه مورد توجه قرار گرفته است. بمنظور تربیت و رفاه انسانها در کشوری که بر اثر خیز انقلابی بودجه‌های ناچیز پرا تبدیل ببودجه ۱۰۸۹ میلیاردی نموده است و هدف آن توزیع عادلانه درآمد بهبود زندگی مردم جهش اقتصادی و بسیاری از عوامل مربوط بپیشرفت

وسادات ایران و ایرانیان است که بودجه امور اجتماعی آموزش و پرورش بهداشت، درمان، رفاه عمومی پیشاهنگی، نوسازی روستاها از آن جمله است سیاست اشتغال و تهیه ۵۵۰ هزار شغل جدید در ۲ سال تا بواسطه پیشرفتهای صنعتی مواجه با بیکاری نشویم از سیاستهای بسیار مدبرانه دولت است. خدمات اجتماعی روستاها و پیشرفتهای آموزشی در سطح دبستانها ۹٪ در مجموع افزایش دارد ۹۶٪ در شهرها و ۵۶٪ در روستاها فرزندان ما از دبستانها تحصیل میکنند و تارسیدن بمرزهای تمدن بزرگ کلیه اطفال لازم‌التعلیم بمدرسه میروند. این برهه انسانی و عمرانی و اقتصادی حقیقتاً قابل توجه است. این بودجه مبین وضع درخشان مالی و رشد و توسعه بی نظیر اقتصادی کشور ماست نخست وزیر شایسته و کاردان ایران اولین بودجه‌ای را که در سال ۴۴ بمجلس تقدیم کرد ۱۷۵ میلیارد ریال بود و هزینه آن ۱۷۶ میلیارد ریال در این مدت کوتاه دولت خدمتگزار هویدا توانسته است بارشاد و راهنمایی و ابتکارات درخشان و مدبرانه رهبر عالیقدر انقلاب بودجه کشور را به ۱۰۸۹ میلیارد ریال برساند. کدام سند در طبقه کشور دموکراسی گویاتر از لایحه بودجه کشور است. خوشبختانه امروز با رعایت کامل همه آزادیها و احترام بحقوق انسانی باتبعیت از سیستم منظم حزبی قوای مقتدره و مجریه و قضائیه هر يك بدون تجاوز از حدود مرز خود وظایف محوله را بخوبی انجام داده و نقش خویش را ایفا می‌سازند. در لایحه جدید بودجه را قوام مناسبی بطبقات کم درآمد و کارمندان دولت که حقوق ثابت دارند اختصاص داده شده است تا از رفاه نسبی برخوردار باشند. از آنجا که امور اجتماعی و تربیت و تعلیم فرزندان در درجه اول توجه قرار دارد ۳۰٪ بودجه کشور اختصاص به امور اجتماعی دارد که آموزش و پرورش فرزندان کشور را نیز در بر گرفته است. تعداد دانش آموزان هم امروز در حدود ۶۲۰۰۰۰۰ نفر برآورد شده است. من نمی‌خواهم عرض کنم شاید شما پرسید سنت چند است آنچه مسلم است روزی که بنده امتحان ششم ابتدائی را میدادم تعداد امتحان‌دهندگان دو تهران ده نفر بود نسل‌الش را نرسید اما من می‌خواهم بگویم به بیند تفاوت ره از کجاست تا بکجا چیزی که هست من افتخار میکنم که

بلطف انقلاب شاه و ملت حالا در مجلس شورای ملی خدمت میکنم.

باید گفت که آموزش و پرورش بانظامی جدید از جهات کمی و کیفی توسعه بسیار یافته است. توسعه کمی بدون شك مسائل و مشکلات کیفی را بدنبال دارد و آموزش و پرورش نیز هرگز از این اصل جدا نبوده است و نباید باشد انقلاب عظیم اجتماعی ایران در بهمن ماه ۴۱ و بالتبع نتیجه علاقمندی روز افزون مردم به تحصیل علم و دانش تغییرات بسیار شگرفی در کار آموزش و پرورش بوجود آورده است که هم از نظر توسعه و فراهم ساختن امکانات تحصیلی و هم از نقطه نظر کیفیت برنامه های آموزشی باید بموازات توسعه کمی و عددی تعلیم و تربیت در زمینه بهبود روشهای تعلیم تغییرات متناسب با زمان در کتب درسی و فعالیت های اداری حاصل می آمد. نظام پیشین آموزشی ما در عصر درخشان انقلاب هرگز نمیتوانست جوابگوی نیازهای کنونی کشور ما باشد زیرا که از حد سواد آموزی در سطح ابتدائی باسوق فارغ التحصیلان بسوی ادارات و سازمان های دولتی و اشغال میزها یا گسیل دانش آموزان بسوی دانشگاهها و حصول مدرک تحصیلی تجاوز نمیکرد. در حقیقت میتوان گفت که برنامه ریزی نیروی انسانی بر نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور منطبق نبود و در نتیجه هماهنگی مطلوب که لازمه تحولات دوران سازندگی اجتماع کنونی کشور ماست وجود نداشت هنگامیکه اصول انقلاب سفید از جمله تشکیل سپاه دانش اعلام گردید آموزش و پرورش ما با مشکلات فراوانی روبرو شد زیرا آموزش و پرورش نمیتوانست به نیازهای ملی و اقتصادی که با سرعتی چشمگیر بسوی توسعه صنعتی گام نهاده بود پاسخ گوید. در سال ۱۳۴۳ بفرمان شاهنشاه آریامهر شورای آموزش و پرورش تشکیل گردید تا نظام جدید آموزشی را در جهت هماهنگ ساختن فعالیت های آموزش کشور بانظام اجتماعی نوین مورد بررسی قرار دهد و بدین ترتیب بود که نظام جدید آموزشی کشور از آن شورا پایه گذاری گردید و بدنبال آن در تغییر برنامه های درسی و تجدیدنظر و تألیف چاپ جدید کتب درسی اقدام لازم بعمل آمد. در سال ۴۹-۵۰ دوره پنجم ساله جدید پایان یافت و در این سال

تحصیلی ۵۲-۵۳ دوره سه ساله راهنمایی پایان می یابد و شاگردان میتوانند بر حسب استعدادها و علائق و با توجه به نیازمندی های اقتصادی و اجتماعی کشور شغل متناسب با توانائی خویش را انتخاب نمایند و در این راه از مشاورت و راهنمایی متخصصین امر برخوردار گردند. من نمیدانم آیا واقعا کسانی که صحبت میفرمایند میروند بمدارس و این پیشرفت ها را مشاهده میکنند یا مشاهده نکرده فرمایشاتی میکنند اینطور بنظر من می آید هدف های کلی برنامه آموزش و پرورش مبتنی بر پی ریزی ۲۰ هدف عالی انسانی است که بمنظور تربیت و آموزش و پرورش نسل جوان نسلی که زیربنای امروز که متضمن سعادت فرداست بخاطر او پی ریزی میگردد نسلی که همه کوششها و فعالیتها بخاطر آنست که جوانان ما فردا در ایرانی آبادتر مرفه تر با زندگی مقرون بسعادت روبرو باشند. آموزش و پرورش نیز اهداف عالی خود را از آغاز برنامه های دوران انقلاب متوجه این اصول نموده است و با تقویت نیروی جسمانی تربیت جوانان برای شرکت فعال و مؤثر در زندگی سیاسی و اجتماعی پرورش تقوی و فضیلت اخلاقی و ایمان جوانان اعتقاد به حفظ نوامیس مذهبی و آب و خاک و مقدرات ملی ایجاد غرور و تقویت نیروی ایمان. آشنا ساختن محصلین به هدفهای انقلاب اجتماعی ایران. ایجاد امکانات و فرصتهای مساوی آموزشی برای افراد شهروروستا از یک سو و زنان و مردان کشور از سوی دیگر که یکسان از مزایای تعلیم و تربیت برخوردار گردند. ایجاد مقدمات اجرای تعلیمات اجباری ابتدائی در سراسر کشور بنحوی که اواخر برنامه پنجم همه کودکان لازم التحصیل ۶ تا ۱۱ ساله کشور بمدارس ابتدائی راه یابند. آماده ساختن دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در زمینه صنعت خدمات - کشاورزی - علوم نظری و هنر - ایجاد آمادگی کافی و مطلوب برای تحصیلات دانشگاهی و نیل بدرجه تخصص در رشته های نظری و عملی یا علمی و فنی در اینجا لازم میدانم چون دوره راهنمایی تحصیلی که منطبق بانظام جدید آموزش و پرورش است هنوز بطور کامل شناخته نشده است مختصری در این مورد بعرض مجلس شورای ملی برسانم.

سه سال پس از انقلاب ششم بهمن طرح مقدماتی

آموزان و کمک به ایشان در انتخاب مناسبترین راه برای ادامه تحصیل و انتخاب شغل.

برای موفقیت در این مهم که از يك سو تخصص های نیروی انسانی جامعه فردای ما را بطرفی معقول و منطقی و متناسب با نیازهای ملی و بین المللی پاسخگو باشد و از سوی دیگر از نگرانی برخی خانواده ها که بحق بادقتی و سوسه انگیز فرزندان شان را در انتخاب مسیر تحصیل و شغل همراهی میکنند بکاهد. در برنامه ریزی این دوره آنچه بیشتر ملحوظ بوده نیازهای جامعه ایرانی، خصوصیات اجتماع امروز و فردا، آینده غنی و پر بار فرهنگ و تمدن ایرانی و آرمانهای انسانی بوده است. قبل از شروع دوره راهنمایی با سه طرح انتشاراتی که سراسر کشور را در بر میگرفت در آشنا ساختن خانواده ها بانظام نو و تکیه گاه نظام نو یعنی دوره راهنمایی تحصیلی کوشش شد. علاوه بر برنامه هایی که از مراکز و از رادیو ایران انجام شد کارشناسان دفتر برنامه ریزی مردم استانها را از طریق گفتارها بحثها از طریق روزنامه ها و رادیوهای محلی در جریان هدفها و اصول کار و نقش مطلوب خانواده ها قرار می دادند. باتئیه نشریات - فیلمها آزمایشگاهها که الهام بخش روش مدیران و معلمان و مشاوران گردیده است فعالیت در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص برای اداره این دوره در حدی بوده است که اینک ۳۴۴۶۰ نفر معلم در چهار گروه علوم انسانی - علوم تجربی و ریاضی شناخت حرفه و فن و زبان خارجی برای تعلیم قریب يك میلیون فردانش آموز دوره راهنمایی در اختیار است. در بر آوردن این نیاز مرکز تحقیقات و برنامه ریزی درسی و تربیت معلم همکاری داشته اند. هم اکنون ۱۰۱۸ نفر مشاور در سراسر مملکت و در ۷۲ مرکز مشاوره به راهنمایی دانش آموزان اشتغال دارند حداقل تحصیل این مشاوران لیسانس است در رشته های مشاوره روانشناسی و علوم تربیتی مدیران مدارس راهنمایی تمام دوره خاص مدیریت مدارس راهنمایی را گذرانیده اند و بسیاری از معاونان مدارس هم در دوره های مشابهی شرکت کرده اند. مسلماً تغییر سیستم آموزشی در هیچ کشوری بدون نگرانی کسانی که با سنت های تربیتی و نظام های گذشته عادت کرده اند

اصلاح آموزش و پرورش کشور ارائه شد چون نظام کهن دیگر نمیتوانست نیازهای جدید کشور را از حیث کارگران ماهر و متخصص فنی و تربیت نیروی انسانی بر آورد وجود نسلی مجهز بفضیلت و تقوی و دانش های مفید در جامعه ای آزاد و مترقی ایجاب میکرد که نظام تعلیم و تربیت کشور از پایه دگرگون شود و هدفهای آن بالهام از انقلاب مشخص گردد. این بود که هدفهای اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی - تربیت بدنی - معنوی جایگزین هدفهای محدود و نارسای قبلی گردید و اصول بیست گانه ای متناسب با هدفهای نوبه نیل بآرمانها را تضمین میکرد. طرح مقدماتی که محصول اندیشه اندیشمندانی بنام ایرانی بود در معرض قضاوت همگان قرار گرفت و بختگی بیشتری یافت و در آغاز سال تحصیلی ۴۴-۴۵ کودکانی تحصیل در سال اول دبستان را آغاز میکردند که از امکاناتی تازه برخوردار بودند. مقاطع تحصیلی برای ایشان ۶ سال ابتدائی و ۶ سال متوسطه نبود بلکه اینان پس از پایان دوره ۵ ساله ابتدائی که مرحله اول تعلیمات عمومی است وارد دوره ای شدند که راهنمایی تحصیلی نام گرفت و مرحله دوم تعلیمات عمومی را شامل است و فرمایش همایونی در آنجا که اظهار میدارند ....

«برنامه ریزی که در سطح دانشگاه می کنیم باید کامل باشد باین معنی که فردا بچه ها وسیله کافی داشته باشند که از دامان مادر دبستان و دوره راهنمایی (اریاناسیون) که من به آن هنوز زیاد معتقد هستم راه و استعداد خودشان را پیدا کنند تا بمراحل عالی آموزش برسند و بتوانند برای مملکت افراد مفیدی بار بیابند، اهمیت این دوره را که بسیاری از ویژگی های نظام جدید در آن مستتر است بخوبی نشان میدهد این دانش آموزان پس از پایان دوره سه ساله راهنمایی تحصیلی میتوانند دوباره چهار ساله متوسطه را در مدارس بگذرانند که تحصیلات نظری قسمت اعظم برنامه آنها را تشکیل میدهد یا مدارس از نوع دیگر که روی تحصیلات فنی تکیه بیشتری میشود یا مدارس جامع شناخت دانش آموز و شناساندن نسبی او بخود و خانواده اش. آشنی بین مدرسه و جامعه دادن اطلاعات تحصیلی و شغلی بدانند

و بدون مشکل و مانع نبوده است لیکن شرایط خاص دوران انقلاب اجازه داد که در این راه بخوبی توفیق یابیم و اینک که دانش آموزان سال سوم راهنمایی در آستانه ورود به مدارس نظری فنی، جامع هستند با تاجار ب فراوانی که فرهنگ ما از اجرای برنامه های نخستین دوره سه ساله راهنمایی بدست آورده است. هنوز هم باندازه آغاز کار به همکاری خانواده ها صاحب نظران متخصصان و دانشمندان نیاز دارد. علاوه بر دبستانها مدرسه راهنمایی و دبیرستانها وزارت آموزش و پرورش دارای ۲۳ انستیتو تکنولوژی و دو باب دانشسرا برای تربیت فرزندان مرزنشینان و تشکیلات بسیار مفصلی برای تعلیم و تربیت در ایلات و عشایر دارد. درباره هر یک باید بحث جداگانه کرد. از انستیتو تکنولوژیها صحبت شد البته بزبان آسان است که بگوئیم ۲۳ انستیتو تکنولوژی در تهران - قزوین - رشت - بابل - ساری - تبریز رضایه - کرمانشاه - اهواز - شیراز - کرمان - مشهد و اصفهان داریم که ۳۴۰۰۰ محصل در آنها تحصیل میکنند. اما باید از نزدیک کار این موسسات را باز دید کرد و بعظمت آن پی برد. عظمت در اینست که ۵۰ هزار محصل در نظام متوسطه فنی بطرف تعلیمات فنی سوق داده شده است. از دانشسراهای مرزنشینان صحبت میشود با همکارانم در کمیسیون آموزش و پرورش از این دانشسراها باز دید بعمل آمد از دیدن آنهمه عظمت فرهنگی آنچنان بهیجان آمدم که یکی از آقایان گفت خانم بنشین اینهمه هیجان برای سلامتی خوب نیست آنچه که وظیفه وزارت آموزش و پرورش بوده است واقعا انجام داده است در این دانشسراها که پسرانه و دخترانه جداگانه است علاوه بر کلیه برنامه های درسی اصول میهن پرستی و شاه دوستی و وظیفه مرزداران دلیر ایران بمعلمان آینده مناطق مرزنشین تعلیم داده میشود و احساسات بسیار ارزنده ای که در نهاد هر ایرانی وجود دارد با تعلیمات جدید زنده و بارور میشود. ما دیدیم چه فرزندی برای تربیت دانش آموزان آینده مرزنشینان تعلیم می بیند و چه عظمتی در این کار است که فقط در یک جمله کوتاه می گوئیم تأسیس دانشسراهای مرزنشینان این متنی بر کتابهاست و این بدستی تربیت انسانهاست. تجدید عظمت ایران باستان است. یاد آور

پهلوانها و مبارزات و وطن پرستی ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران است. اینها قلمهای بلند و مؤثر انقلابی است از مدارس عشایری صحبت میشود ببینیم انقلاب چگونه در قلب روستاها و در کانون عشیره ها با زندگی متحرک این گروه خود را انطباق داده است. از مدارس عشایری صحبت بمیان آمد جالب است نمیدانم شاید آقای شیخ رضائی خسته شدند که تشریف بردند (یکی از نمایندگان همه یکی هستیم) هزار آفرین هزار درود بطراح و رهبر انقلاب امروز قریب شصت هزار نفر از فرزندان عشایر با قریب ۱۲۰۰ معلم در دبستانها تحصیل اشتغال دارند که از ابتدای انقلاب تا کنون ۱۶۵٪ افزایش داشته است. این فرزندان علاوه بر تحصیل از مهارتهای لازم در حدی که جوابگوی زندگی چادر نشینی باشد برخوردارند. فارغ التحصیلان این دبیرستان بطور فوق العاده از عکاسی - فیلمبرداری - اتومکانیک - برق - رادیو ماشین نویسی - قالی بافی و بسیاری از فنون متناسب با وضع خودشان را کسب میکنند و در مناطق عشایری برای مبارزه با بیسوادی اقدام شده است. تعلیمات عشایری مخصوص فارس نیست بلکه آذربایجان غربی - آذربایجان شرقی - کردستان - کرمان - سیستان و بلوچستان را نیز شامل است و بتدریج همه مناطق عشایری را دربر خواهد گرفت. يك مقایسه از سال ۴۵ تا بحال بعمل می آید از نظر پیکار با بیسوادی. در سال ۱۳۴۵ در کشور ما ۸۵٪ مردم بیسواد بودند ولی امروز در مجموع ۵۴٪ باسوادند. در کفرانسی که در آلمان برای بررسی برنامه های فنی و حرفه ای تشکیل شد از بین ۱۲ کشور دو برنامه را پسندیدند و دو کشور را بعصویت هیأت مدیره برنامه های آموزشی فنی انتخاب کردند و آن دو کشور ایران و امریکا بودند از نظر فنی و حرفه ای تعداد دانشجویان انستیتو تکنولوژیها ۱۴ برابر شده است بهتر است بگوئیم از بیان این حقیقت عاجزیم، مطالب آنقدر مهم و مترقی است که حکایت از صدسال جهش نیست بلکه ۲۰۰ سال عقب ماندگی را هم باید بحساب آورد. روستائیان ما عشایر ما آنها که هرگز حق نداشتند بخوانند و بنویسند آنها که حق نداشتند بدون دستور اربابانشان قلمی بردارند بلطف شاه در کشور ایران و در عصر درخشان آریامهر نه تنها از نعمت بهره گیری از تحصیل برخوردارند بلکه

اجرای مرحله دوم قانون جدید در مورد معلمان. ترمیم اضافه کار کارکنان کادرداری و پرداخت پاداش مستمر به آنان.

توسعه فعالیت تعاونیهای مسکن، مصرف و اعتبار بطوریکه در حال حاضر ۹۵ شرکت تعاونی مصرف، ۲۳ شرکت تعاونی مسکن و ۲۴ شرکت تعاونی اعتبار دائر است. خانه سازی برای معلمان که بموجب این طرح تا کنون ۱۰۰۰ دستگاه آپارتمان در سراسر کشور به معلمان تحویل شده و ۲۰۰۰ دستگاه دیگر در دست ساختمان است و بطور کلی ۶۰۰۰ مسکن در نظر گرفته شده است.

افزایش میزان اعتبار و وامهای فرهنگیان. تجدید شرایط و قرارداد بیمه فرهنگیان و افزایش میزان حق العلاج معلمان و افراد خانواده آنان، فراهم آوردن موجبات تحصیل ضمن خدمت معلمان با استفاده از حقوق کامل فراهم آوردن موجبات تسهیل مسافرتها معلمان و خانواده آنان در ایام تعطیلات بطوریکه در سال گذشته ۲۵۰۰۰ نفر از معلمان و افراد خانواده آنان در مدارس سکونت کرده اند.

ولی اینجا يك مطلبی آقای شیخ رضائی فرمودند که بنده لازم میدانم بعرضشان برسانم از بیمه فرهنگیان گفتند که راه دور باید بروند. من اینرا نفهمیدم مثل کارمندان دولت فرهنگیان همه بیمه هستند و مقررات جدید با آنها اجازه داده بهر دکتري که خودشان میل دارند بروند، حالا اگر خدای نکرده کسی خودش راه دور برود این دیگر تقصیر کسی نیست. خوب انشاء الله بعد از این راه دور نمی روند و بدکتري که در دستشان هست مراجعه میکنند (ناوی - بیمه فرهنگیان دیگر تنها وجود ندارد بلکه بیمه کارمندان دولت است) (صحیح است) و ۱۵۰۰ نشان فرهنگی و چند نشان همایون و تاج بمعلمان داده شده است این حق معلم است بنده در اینجا پیشنهاد میکنم از آنجا که فکر سالم و راحت برای معلم که سازنده انسانهاست باید وجود داشته باشد در شهرهای کوچک خاصه در محلهای دور افتاده باید بودجه ای اختصاصی داده شود بوزارت آموزش و پرورش صرفاً برای ساختن باشگاهها که خود و خانواده شان بتوانند در موارد ضروری از این باشگاهها استفاده کنند تا در بین ساعات متزل و مدرسه اشتغال سالم و سازنده داشته باشند و مدتی را که فارغ از

بفرزندان عشایر از انگلستان بورس تحصیلی داده شده است و ۲ نفر اعزام شدند و قرار است ۶ بورس دیگر هم داده شود و امروز جوانان روستائی و عشایر ما از مزایای انسانی دانش بهره مندند از ۳۶ شاگرد کلاس ششم متوسطه عشایری ۲۸ نفر در کنکور دانشگاهها قبول شدند بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا. در بررسی که بعمل آمد معلوم شد معلمان و مربیان خاصه در دبستانها آنجا که پایه های اساسی تعلیم و تربیت گذارده میشود ۷۰٪ خانها هستند و در دبیرستانها نیز ۳۰٪ خانها شاغل هستند و این مبین اصالت انقلاب عظیم ایران و ثمره انقلاب آموزشی ایران است که این طبقه محروم از دوران رضاشاه کبیر یعنی آغاز سلطنت پهلوی تا کنون چه ترقیات شگرفی نموده اند. سپاهیان دانش ما که از جلوه های درخشنده انقلاب ایران هستند در قلب روستاها بتعلیم و تربیت جوانان ما مشغولند اکنون ۱۴۸۹۹ نفر سپاهی دانش بتدریس اشتغال دارند و پنج هزار نفر در پادگان هستند که بزودی اعزام میشوند و ۱۲۰۰۰ نفر سپاهی دیگر پیش بینی شده است. از تازه ترین اقدامات وزارت آموزش و پرورش ایجاد ۶ هزار مدرسه روستائی جدید است در این سال. در مورد قانون تعلیمات اجباری تا کنون ۱۳۳ منطقه بدریافت فرمان همایونی در زمینه اجرای قانون مذکور مفتخر شده اند.

اجرای برنامه سواد آموزی حرفه ای که در ۱۳ کشور دیگر اجرا شد و با عدم موفقیت روبرو بود در ایران بواسطه علاقه و برنامه ریزی صحیح این برنامه با موفقیت انجام شد. در مدارس ایرانی خارج از کشور قریب ۶ هزار دانش آموز بتحصیل اشتغال دارند طبق برنامه پیش بینی شده در کلیه استانها مجتمع آموزشی ایجاد میشود. هزار دبیر برای استانها و شهرستانها علاوه بر دبیران موجود اعزام گردیده است. اگر بخواهیم بررسی دقیقی بعمل آوریم مسلماً مدرسه از سه اصل مهم تشکیل میشود که اول معلم است و بعد کتاب و سپس مدرسه، معلمان امروز باتشکیل کلاسهای باز آموزی، تقویت تحصیلی روز بروز معلومات خود را بالا برده و تادانش جدید خود را مجهز میسازند و از نظر رفاه کارهایی که تا بحال برای معلم انجام شده است:

کار و تدریسند تحت يك مركز نظام سازنده و سالم بسر برند و وقتشان هدر نرود. فرهنگ ما ۱۸۳۰۰ معلم و کارمند دارد. باشگاههای در شرف تأسیس از حیث ساختمان تقویت شود اعتبار به شوراهای آموزش و پرورش داده شود تا در هر محلی باشگاه بوجود آورند بخصوص در شهرهای کوچک که وسائل سرگرمی کم است در فاصله بین تدریس و استراحت يك باشگاهی داشته باشند که بتوانند از مزایای آن برخوردار شوند و امادر مورد معلم بازم پیشنهاد بسیار زیاد است مطالب خیلی است باید وزارت آموزش و پرورش در حدود توانائی خودش آنچه میتواند بخاطر رفاه این طبقه بسیار شریف این طبقه ای که انسانهارا میسازند باید انجام دهد (صحیح است) مسلم است هیچکس شك ندارد رفاه حال معلم لازمست کیست که تصور خلاف آنرا بکند همه ما معلم داشتیم و همه ما معلم خود را دوست داریم مگر کسی هست که معلم نداشته باشد یا معلمش را دوست نداشته باشد همه ما این احساس را داریم و معلم را دوست داریم و سعادت و رفاه و سربلندی آنها را آرزو داریم اما در مورد کتب درسی بنده فکر میکنم باید دقت کرد و این کتب درسی را نگاه کرد باید خواند باید مطالبش را دید باید دید که تا چه اندازه کتب درسی ما دارای ارزش است شما میدانید که در کنفرانس جهانی مبارزه با بیسوادی کتب درسی ایران در این کنفرانس جهانی بین ۱۳ کشور نمونه قرار گرفت و الگوی تربیت سپاه دانش در کنفرانس فیلی بین نمونه اعلام شد (صحیح است) در ساختمان مدارس که اصل سوم آموزش است اقداماتی شده است ولی پیشنهاد میکنم وزارت آموزش و پرورش از محل بودجه سال الاجاره ها هر ساله اعتباری از بانک تحصیل نموده و ظرف مدت کوتاهی خاصه در شهرهایی که منزل کمتر است خود را و فرزندان کشور را از تحصیل در خانه های بی تناسب آسوده نماید. ولی این وقت میخواهد من میخواهم استدعا کنم وزارت آموزش و پرورش باین کار يك اولویتی بدهد (شیخ رضائی - شهرداری که نمیگذارد) خیر اینطور نیست تا آنجا که من میدانم همه در راه آموزش و پرورش گامهای بلندی بر میدارند و تا جائیکه میدانم آموزش و پرورش متعلق بيك طبقه خاصی نیست آقای شیخ رضائی ممکن است شما با

بنده اصلا مدتها بگذرد مثلا بوزارت اقتصاد نیروم و کاری نداشته باشیم که بروم یا وزارتخانه دیگری ولی قبول بفرمائید هرنفزی که صبح سراز خواب بر میدارد با وزارت آموزش و پرورش سروکار دارد این يك مطلبی نیست که کسی بتواند با وزارت آموزش و پرورش همراهی نکند چه کسی میتواند آموزش و پرورش را خدای نخواستہ دست کم بگیرد چنین چیزی نیست شهرداری، دولت و تمام مردم و ملت ایران همه برای پشرفت آموزش و پرورش همکاری میکنند و بنده عدم همکاری را تکذیب میکنم مسلماً کمک میکنند ولی یادتان باشد که امکانات را هم باید در نظر گرفت امکانات قسمت ها را هم باید در نظر گرفت بنده نمی خواستم داخل بحث بشوم ولی يك وقت واجب میشود مثلاً شما پیشنهاد میکنید که آموزش و پرورش مجانی باشد آقا حساب کنید روستائی راه، غذا، برق و آب نمی خواهد؟ فقط و فقط باید بخواند و بنویسد اصلاً آموزش و پرورش مگر در روستاها مجانی نیست که شما میفرمائید باید مجانی باشد فرزندان معلمین را مجاناً ثبت نام کنند این فرمایشات چیست که شما میفرمائید فرزندان نشان مجانی ب مدرسه بروند آقا چه کسی مخالف اینکار است من که جلوی شما ایستاده ام بعرضتان میرسانم خودم خدمتگزار فرهنگ این مملکت هستم افتخار دارم چهل و چهار سال است خدمت میکنم قبول بفرمائید شما آن موقع بچه بودید عزیز من اجازه بفرمائید شما که بمن لطف کردید، ولی امروز در مملکت ما (من) وجود ندارد ما وجود داریم یعنی کار دسته جمعی حزبی شما یادتان هست آقای حکمت یزدی فرمودند من بتویک آوانس میدهم من آوانس میخواهم چه کنم آنوقت که در جنوب شهر بودم و کار میکردم بعضی از شماها هنوز در دنیا نبودید (خنده نمایندگان) عزیز میخواهم من میدانم فرهنگ ما چه ترقی کرده شما نمیدانید برای اینکه ندیده اید برای اینکه قدر عافیت کسی دادند که بمصیبتی گرفتار آید (احسن) شما در روزنامه حزبی تان مرقوم میفرمائید که جهانبانی این زنی که اینجا نشسته شخص بی تفاوتی است (عباس میرزائی - اشتباه میکنند) اجازه بفرمائید اشتباه نکرده اند تعدد است این يك ریشه عمیق حزبی دارد آقای عباس میرزائی اجازه بفرمائید بعرضتان برسانم اولاً من میخواهم سؤال کنم

آروزها که شهریور بیست بود آن کسی که چهار پایه میگذاشت بر چهارراهها و صحبت میکرد من و امثال من بودیم بایگانه و بیگانه پرستی مبارزه میکردیم و وظیفه داشتیم باید اینکار را میکردیم شما تا اندازه ای میدانید آقای شیخ رضائی شما شاهدید این خدمتگزار در تمام این مملکت دانش آموزانی دارم که شاهد این ادعاست حتی در مجلس هم وجود دارند و افتخار میکنم اما شما بمن نگوئید شخص بی تفاوتی است اصولاً این وضع را شما نباید روشن کنید اولاً افتخار کردم که شما این را در روزنامه خودتان نوشتید چون نمی خواهم شما از من تعریف بکنید باید عرض کنم آقایان وضع مرا در مجلس رئیس مجلس شورای ملی باید معین بکند وضع مراد در حزب لیدر و دبیر کل حزب باید تعیین کند وضع مرا شما نباید روشن کنید من اصلاً نمیخواهم شما وضع مرا تعیین کنید معذرت میخواهم ولی ملاحظه بفرمائید که اثر اینکار از روزی است که باستحضار میرسد همینطور که شما بخاطر مطلبی که عرض میکنم برای انتخابات يك نفر سناتور در تبریز صحبت کردید من هم ناچارم برای انتخاب يك نفر نماینده مجلس شورای ملی در گرگان صحبت بکنم من میدانم از کجا عصبانی شده اید آروز که بگرگان میرفتیم يك مأموریت حزبی داشتم و با خانمهای نمایندگان مجلس شورای ملی بگرگان میرفتیم ۱۰-۱۵ کیلومتر مانده بگرگان دیدم که سربك پلی راه بند است تعجب کردم که چطور عده ای راه را گرفته اند با خانمها رفتیم جلوتر همگی متوجه شدیم که يك عده ای از طرف حزب مردم متینگ میدادند و راه را بسته بودند و البته آیندگان و روندگان میرفتند ببینند که چه خبر است و بالطبع در این متینگ شرکت میکردند تا تکلیف جالبی بود اما مطلبی که مهم بود این بود که خانمها از من پرسیدند ما چکنیم گفتیم که ما شدیداً بوق میزینم و ردمیشوم و بعد هم شدیداً بوق زدیم و رفتیم و خیلی هم با احترام ما را رد کردند ولی پشت سر ما روی شیشه ماشین نوشته شده بود حزب ایران نوین، شما وقتیکه هفت روز مرا در گرگان با خانمهای حزب ایران نوین دیدید - مسلماً چون رئیس شورای زنان حزب ایران نوین ما که کاندیدا بود فعالیت کردیم و وظیفه داشتیم وقتیکه ما را دیدید آنجا خیلی

نراحت شدید البته برای من متینگ شما سر آن پل بی تفاوت بود ولی وجود اعضای حزب ایران نوین در گرگان و موفقیت انتخاباتی و درخشان ما با تفاوت بود چنانکه دیدید (دکتر المونی - خانم جهانبانی خدمات حزبی و فرهنگی و پارلمانی شما مورد تأیید و تقدیر است) (صحیح است) تشکر میکنم.

وزارت آموزش و پرورش از نظر فعالیتهای پرورش که بنام هدفهای ملی و میهنی شهرت یافته است اقداماتی نموده است که فهرست وار بعرض مجلس شورای ملی میرسد. تشکیل شوراهای پرورشی - تشکیل قریب ۱۶۰ سمینار ملی و میهنی - شرکت ۷۰۰۰۰ نفر از مدیران کل رؤسا و ستولان آموزش و پرورش مدیران مدارس - راهنمایان تعلیماتی - دبیران - آموزگاران و اعضاء شورای تربیتی - اعضاء انجمن های خانه و مدرسه مرکب از اولیاء اطفال - اعضاء شوراهای آموزش و پرورش منطقه ای در کنفرانسهای ملی و میهنی - تربیت کادر بمنظور اجرای برنامه های آموزشی مسائل ملی و میهنی در مراکز تربیت دبیر - تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات هدفهای ملی و میهنی - ترتیب مسابقه برای تألیف بهترین کتاب در زمینه بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب - تشکیل کنگره بزرگ ملی و میهنی در رامسر با ده هزار نفر از دانش آموزان تابستان ۵۲ تشکیل انجمن معلمان کشور بمنظور هدایت و پرورش فکری آنها - تشکیل جلسات گفت و شنود در مدارس بوسیله دبیران علوم اجتماعی - تا اینجا آنچه که بطور بسیار مختصر بعرض مجلس شورای ملی رسید واقعاً باید گفت از نظر کمی بسیار ارزنده و شایان توجه بود و تا آنجا که برای انسانها مقدور بوده است در این کشور برای پیشبرد هدفهای آموزش کار شده است. میتوان گفت معجزه آسا بسبب جمعیت داوطلب دانش جواب مساعد داده شده است.

ولی در مورد مسائل پرورشی هنوز راه درازی در پیش داریم. شاهنشاه در فرمایشاتشان در کنفرانس رامسر میفرمایند: مراکز آموزشی و دانشگاهی ما باید محیط وطن پرستی باشند در محیطی که پرچم ایران برافراشته میشود آن محیط باید مثل پرچم نمودار ایرانیت و غرور ملی باشد. سیاست آینده ما بر اساس اجتماع امروز و اجتماع آینده باید

در نظر گرفته شود. همچنین بهنگام معرفی معاونان جدید شاهنشاه خطاب بوزیر آموزش و پرورش فرمودند امیدوارم نحوه کار شما طوری باشد که برای نسل جوان سودمند بوده و همه معلمان بخصوص دبیران را متوجه وظیفه خطیری که در تربیت نسل جوان بهعهده دارند بنمائید و کوشش شود که جوانان ایرانی را بایشرفتها و افتخارات ایران آشنا نموده روح وطن پرستی و ایران دوستی را در آنان تقویت نمائید. با توجه بفرمایشات معظم له که سرلوحه زندگی و تلاش و پیشرفت همه ما ایرانیان است و هر جمله را باید با زرنوشت و یک عمر نصب العین قرار داد، عرایضی میکنم که روی سخنم بمعلمان کشور است بآنها که چراغ علم و دانش را روشن نگاه میدارند، معلم در هر سطحی که باشد خواه آموزگار، خواه دبیر، خواه استاد، یعنی همه آنها که تربیت انسانها را بدست دارند یعنی همه آنها که پول ساز نیستند و آدم میسازند، سازنده اخلاق جامعه هستند، عشق بمیهن میورزند و با سادگی میسازند و از دیدن ثمرات کوشش خود حظ روحانی میبرند. خودم معلم هستم وقتی ثمره ۴۲ سال تلاش خود را در سراسر کشور بهر کجا که مسافرت میکنم می بینم قلبم روشن میشود و می بینم که برای ارضاء عشق خود ایمان خودم کار کردم، من معلم ناچیزی هستم هستند معلمان گرانمایه و گرانقدری که همه چراغ قلبشان بانور عشق تربیت انسانها روشن است. آیا معلم فارابی و رازی و فردوسی و بیرونی و خوارزمی و ملامصد را چه اندیشه هائی داشتند. معلمی فداکاری است فردوسی میفرماید: بسی رنج بردم در این سال سی، عجم زنده کردم از این پارسی.

معلمی از خود گذشتگی است، همگی باین مطلب ایمان داریم در اینجا میخواهم از معلمان کشور که فرمانروایان کلاس خود هستند و هیچ مطلبی را هیچ کس بهتر از معلم نمیتواند بدانش آموز یا دانشجویان کنند زیرا کلام معلم در قلب و جان شاگرد می نشیند تقاضائی کنم همه میدانیم که جوانان ما در دوران انقلاب بثمر رسیده اند یعنی خوشبختانه و بلطف شاهنشاه از آسایش، رفاه، امنیت، سر بلندی و سرفرازی کشور برخوردارند و با تشکر از درگاه خداوند متعال که چنین رهبری بایران عطا فرمودند و با نیرومندی ارتش دلیر ایران در روزگاری

که همه دنیا پر از جنگ و ستیز قحطی و سرما و نامساعد بودن اوضاع است ایران عزیز ما جزیره سکون و آرامش نام گرفته است و آنچه ملت ایران آرزو کرد شاهنشاه ایران فراهم کرد (صحیح است) اگر ما در دوران انقلاب سدخواستیم، ذوب آهن خواستیم، پتروشیمی خواستیم، سواد در روستاها خواستیم، راه آسفالت خواستیم، هواپیماهای گول پیکر خواستیم که در یک ساعت بهمه نقاط ایران دست داشته باشیم و اگر واگر هر چه را که خواستیم شاهنشاه برای ما فراهم کردند (صحیح است) تاجائیکه نفت ایران از آن ایرانی شد و دنیا در مقابل ترقیات شگرف میهن ما سر تعظیم فرود آورده است (صحیح است).

در تاریخ دوم دیماه شاهنشاه مادر مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در دو مین روز کنفرانس اوپک حوزه خلیج فارس فرمایشاتی فرمودند که همه مردم جهان از آن مطلع هستند. بارهبری معظم له در کار مردم جهان از نظر بر خور داری از انرژی نفت دنیای صنعتی تکان خورد نقش شاهنشاه ایران نسبت برهبری در حوزه خلیج فارس بقدری مدبرانه و ارزنده بود که اقتصاد بین المللی دنیامصون ماند و چشم امید جهانیان بمشرق زمین خاصه ایران دوخته شده است. شاهنشاه ایران نه تنها بدوران استثمار و غارتگری پایان دادند بلکه ارائه نظراتی بوزیران و کارشناسان اوپک فرمودند که ثابت شد در مشرق زمین از تمدن غرب پشتیبانی میشود و این برتری فرهنگ و تمدن ماست که هادی و راهنمای ملل جهان است. در همین جلسه تاریخی بود که شاهنشاه ما علاوه بر حفظ منافع ملت نجیب ایران بصورت مدافع تمدنهای دنیامتجلی شدند از علم لژی شرف تکنولوژی که میراث انسانهاست دفاع فرمودند. اینها دفاع از انسانیت بود مسلماً همه مادر جراید داخلی و خارجی خواندیم که مطبوعات و سیاستمداران جهان چه تجلیلی از افکار بلند و نظرات ارزنده شاهنشاه ایران بعمل آوردند (صحیح است) این خود گام بلندی بود در راه احیای برابری در عرصه دادوستد بین المللی. جهان در مقابل این همه نبوغ، اینهمه کرامت و اینهمه جوانمردی و انصاف مبهوت مانده است و سر تعظیم فرود آورده است ثابت شد که سیاست مستقل ملی ایران دارای

چه ارزشی است. این افکار و این ترقیات و این جهش های انقلابی را که باید بین جوانان ببرد؟ در اینجا است که بوسیله همه معلمان، همه سازندگان انسانها باید مطلب مشروحاً بیان شود. با گذشته ایران مقایسه بعمل آید و معلوم شود چه بودیم و چه شدیم. آنقدر جهش در ایران سریع و انقلابی است که در مدت نوشتن این مقاله مختصر چندبار مطلب را عوض کردم زیرا هر روز و هر ساعت موفقیت تازه ای بدست میآید.

معلمان عزیز، فرزندان مامل ماروز گارهای نامساعد و بدبختیهای گوناگون راننده اند در اینجا میخواهم از شما معلمان عزیز شما سر بزازان غیور و دانشمند انقلاب درخواست کنم که همه در راه هدفهای ملی و میهنی قدمهای بلند بردارید. یک کادر ۱۰۰ نفره یا ۱۰۰۰ نفره و بایشتر قادر نخواهد بود اینهمه ترقیات شگرف را در مدت کوتاه برای فرزندان ما تهیه کند اینجاست که کیفیت امر کمی عقب می ماند بهتر است هر معلم، هر سر بزاز انقلاب در هر رشته که تدریس میکند بعنوان بیان مطالبی لازم و ارزنده و حیاتی انقلاب ایران و نتایج حاصله از آنرا بشاگرد خود در سطوح مختلف بیان کند سیاست ایران انقلاب ایران باریاضی، با علوم تجربی با علوم اجتماعی با تاریخ با جغرافی با همه دروس ارتباط دارد سیاست از زندگی روزمره مردم خاصه معلم جدا نیست. همه آموزگاران، همه دبیران، همه استادان و همه همه موظفند در این وظیفه ملی و میهنی یعنی تهیه دگر گونیهای شگرف انقلاب باین حقایق و روشن ساختن ذهن شاگرد وظیفه ملی خود را انجام دهند تا با پیاده کردن نظام جدید آموزشی همه نوجوانان و جوانان را بطوری پرورش دهیم که افرادی با اراده و متکی بنفس و آگاه بمسائل مملکتی و مهیای پذیرش مسوولیتها و بالاخره شایسته زندگی فردای بهتر باشند. انقلاب خیلی سرعت دارد شما خانم وزیر آموزش و پرورش با سابقه متمدن و تجارب ارزنده ای که شخصاً دارید و با استفاده از خدمتگزاران مؤمن و شایسته و صدیق که خوشبختانه عده آنها کم نیست با کمک و معاضدت همه معلمان که سر بزازان شایسته انقلابند میتوانید هم گام با سرعت انقلاب فرزندان این آب و خاک را از نخستین روزهای تحصیلی یعنی از دبستان برای خدمت آگاهانه

شاه و بمیهن تربیت نمائید و برای نیل بدین منظور لازم است که کلیه معلمان همه وهمه با ایمان و اعتقاد و عشقی سرشار از حب وطن و آگاهی کامل در شناخت استعدادها و نیروهای عظیم نهفته در درون کودکان و نوجوانان و جوانان و پرورش صحیح آنها و راهنمایی حساب شده و آموزش مطالب و مسائل ملی و میهنی که متناسب با زندگی فردای آنهاست افرادی بار آورند که مؤمن بمقدمات مذهبی و ملی و میهنی بوده و مجهز بسلاح علم و ادب و هنر و شناخت سیاسی گردند و شایستگی آن را پیدا کنند که ایرانی آبادتر، مرفه تر و نیرومند تر بسازند. مطلب بسیار است و بنده فکر نمیکنم لازم باشد بنده همه مطالب را بعرض برسانم اما مطلبی که بازم لازم میدانم عرض کنم اینجا راجع بیکدیگر دو نکته صحبت شد مطلبی راجع بتربیت معلم حرفه ای بوده هنر سراسری مقدماتی و مدرسه عالی تربیت دبیر در برابر مشغول انجام وظیفه شده و در برنامه آموزش و پرورش هم هست که در سال آتی در شهرهای دیگر هم اجراء بشود انشاء الله بزودی دعوت می شویم برای دیدن آن هنر سرا آقای هتتاب فرد در مورد مجتهد جامع شرایط بیاناتی فرمودند بنده باستحضارشان میرسانم که در شورای عالی آموزش و پرورش بموجب قانون مجتهد جامع - شرایط وجود دارد و تعلیمات دینی در مدارس ما بسیار خوب است آیا شما این کتابهای فقه را دیده اید و خوانده اید می دانید تا چه اندازه خوب تهیه شده اصولاً بنده اینطور می دانم که کشور ما بمقدمات مذهبی اش علاقمند است (مهندس صائبی - صحیح است) ما حتی مذهبمان را در پرچمان منعکس کرده ایم سبزو سفید و قرمز، خدا و شاه و میهن است مطلب دیگری صحبت شد جناب دکتر رئیسی بودند فرمودند که بهداشت مدارس تعطیل شده خواستم بعرضشان برسانم بهداشت مدارس تعطیل نشده است اداره اش تعطیل شد ۱۷۰ طبیب پشت میز نشین داشته اینها را مستقیماً به مدارس فرستاده اند این کار بدی نبوده بسیار هم کار متریقی بوده است خودتان هم بودید همین پیشنهاد را میکردید بگذریم آموزشگاه عالی مدارس تشکیل شده و همین روزها جشن فارغ التحصیلی آنها گرفته میشود و ۵۳۰ نفر از آنها فارغ التحصیل میشوند و شاگردان این مدارس هزار نفر هم

اکنون برای پیشگیری در مدارس کارمی کنند بهرحال آنچه هست همه تلاش و کوشش وسیعی است بنده می خواهم عرض کنم ماوشما و همه ملت ایران تلاش میکنیم برای اینکه بدروازه های طلائی تمدن بزرگ برسیم .  
موجیم که آسودگی ماعدم ما است  
(احسنت - احسنت)

۳- تصویب صورتجلسه صبح روز شنبه (۸) دیماه ۱۳۵۲  
رئیس نسبت به صورت جلسه صبح شنبه هشتم دیماه نظری نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه تصویب میشود .

۴. ادامه مذاکره در گزارش يك شورى كميسيون بودجه راجع به لايحه بودجه اصلاحى سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ كل کشور  
رئیس - آقای عبدالحسين طباطبائی بفرمائيد.

عبدالحسين طباطبائی - قبل از شروع به هرگونه عرض و سخنی ميل دارم از آقای رهنما وزير تبليغات بهرسم غرضتان از وجود اين دستگاه فيلم بردارى در اينجا چیست ؟ آیا اين وسيله تبليغاتی که شما در اختيار داريد و می توانستيد بفع دولت از آن استفاده کنید کافی نبوده است که مجلس شورای ملی را هم بعنوان يك وسيله در اين مورد بايد دستاویز قرار دهد؟ (نمایندگان اقلیت - صحيح است)

رئیس - آقای طباطبائی اگر ميل نداشته باشید میگویم فيلم بردارى را قطع کنند .  
طباطبائی - حتماً ميل ندارم بفرمائيد تعطيل کنند .

محمدولی قراچورلو - مردم علاقمندند از جريان مجلس مطلع شوند چرا پخش نشود .

کاظم مسعودی - اگر می خواهيد شلوغ کنید و کسی بحرفتان گوش نکند حرف دیگری است .

دکتر الموتی - چرا پخش نشود آقای طباطبائی من نمی خواهم تصوير من از تلویزیون پخش شود ولی ملت ایران باید بداند که در مجلس شورای ملی چه میگذرد شما در مورد خودتان میتوانيد تقاضا بکنيد که بیاناتتان را پخش نکنند .

يكنفر از نمايندگان - صندلی های خالی را نشان میدادند .

عبدالحسين طباطبائی - بلی پخش نکنند باز هم بايد باعرض معذرت اين را بعرض برسانم که در همه چراهائی که مطرح شده استنباط من اين بود که دوتایش توأم باحسن نيت بود آقای دکتر الموتی سئوال کردند که چرا ؟ مطالبی هست که از نظر حقوق فرد چرا ندارد شما دلنجان میخواهد که از قيافه تان تصويری در سراسر مملکت پخش شود من دلم نمی خواهد اين يك مطلبی است شخصی اعم از اینکه اين کار صحيح باشد یا نباشد تقاضای من از آقای رئیس مجلس اين است که در همه چند دقيقه ای که مزاحمتان هستم اين دستگاه را خاموش کنید اين يك تقاضای شخصی است .

دکتر الموتی - عرض کردم ملت ايران علاقمند است که بدانند در مجلس ايران چه میگذرد و وسائل ارتباط جمعی بايد باطلاع ملت برساند والا شما در مورد خودتان ميتوانيد از مقام رياست بخواهيد که بیانات شما از راديو تلویزیون پخش نشود .

عبدالحسين طباطبائی - اين خواهش را تکرار می کنم .

(بدستور مقام رياست جريان فيلم بردارى از جلسه علنی موقتاً قطع شد) .

عبدالحسين طباطبائی - متشکرم آقایان نمایندگان محترم مجلس آیا شما واقعاً از قسمتهائی که از نطقتان در روزنامه ها یا راديو تلویزیون پخش میشود خوشحال هستيد (عده ای از نمایندگان - خير) آیا بنظر شما اين صحيح است که مطالب يك نماينده آنطور مثلث شود که هر جا بفع دستگاه دولتی بود مورد استفاده قرار گیرد و آنجا که نبود پخش نشود .

دکتر الموتی - شما در روزنامه خودتان هم اين کار را شروع کرديد .

عبدالحسين طباطبائی - پس با اين فرمایش که کلمه «هم» را بکار برديد عرض بنده را تأييد فرموديد .

کاظم مسعودی - مطبوعات ما کاملاً آزادند هر

مطلبی را که بفع مملکت تشخيص دادند منعکس کنند .  
عبدالحسين طباطبائی - اگر از کسی مطلبی منعکس کردند یا کامل منعکس بکنند یا بصورت بدمشله اش نکنند .

اخلاقی - حالا برويد سر مطلب .

عبدالحسين طباطبائی - جناب آقای اخلاقی نماينده محترم مجلس نماينده محترم ملت ايران میفرمائيد حالا برو سر مطلب قضاوت راجع بمفهوم همین يك جمله را من بشما نمايندگان مجلس واگذار می کنم و فقط يك مطلبی را خدمتتان عرض می کنم که آقا مجلس ايران یکی از مراجع جدی مملکت است اين شوخيها و بارديها چه چیز را ايجاد میکند آیا بنظر شما صحيح است متأسفانه آقای عباس ميرزائی حضور ندارند والا من دلم میخواست بايشان بگويم که داداش ، مرد محترم اين چه حرفهائی است که توميزنی کدا ميک از مجالس ديگر ملل دنيا تويش شوخي هست ؟ گفتگو هست ، داد و قال هست ، باردی و خنکی تويش هست . با عرض معذرت من متأسفم که جناب آقای نخست وزير حضور ندارند چون میخواستم با اشاره بيکی از جملات ايشان وارد عرايضم بشوم

آقای نخست وزير در جلسه علنی ده شنبه ۵۲/۹/۶ که ضمن آن لايحه بودجه ۱۳۵۳ را بمجلس تقديم داشتند و بابايبانی که با دموکراسی حزبی بیشتر منطبق است بمجلس مرحمت فرمودند ، برای چندمين بار يك جمله را تکرار کردند و آن جمله اينست که : عاشق افکار خود نيستيم .

اگر عرض آقای نخست وزير از بيان اين جمله اين باشد که عليرغم قدرت و تضمين و اختيار بد بگرا هم امکان ابراز عقیده و مجال اظهار نظر میدهند و استدلالهای برتر را می پذيرند که زه براي شان .

و اگر خدای ناخواسته ، مفهوم آن جمله ايشان و لنگاری عقيدتی و انحراف از اصول باشد ، که خداوند ما را بعواقب آن نگيرد البته اين برخود ايشان است که اگر دلشان خواست ، توضيح دهند که کدام يك از اين دو مفهوم مورد نظر و منظورشان بوده است و اما برغم اين جمله آزادمنشانه ، من مرتجع عاشق افکار خود و بالا اقل عاشق

قسمتی از افکار خود هستم ، زیرا حالا سالهاست که من يك رشته افکار و اعتقادات جزمی دارم . کما اینکه اعتقاد داشته و اعتقاد دارم که هيچ هدفی جامه عمل نخواهد پوشيد مگر آنکه قبلاً مقدمات آن فراهم شده باشد و يا مثلاً اعتقاد دارم که مقدمات ناسالم و غير متناسب ، اگر وصول بهدف را بطور عموم نفی نکند ، شانس وصول را بشدت ميکاهد و يا اعتقاد دارم برای اينکه بودجه ها بهدف برسند بايد يك سيستم اداری صحيح و سالم برای آنها وجود داشته باشد و يا اعتقاد دارم که فساد اداری امکان نتيجه گيري از بودجه را ، هر چه هم که کلان و فخير و عظيم باشد بشدت تضعيف میکند و يا اعتقاد دارم که متأسفانه در سيستم اداری ما فساد مالی و اخلاقی نه تنها ريشه کن نشده حتی در جاهائی هم باوج رسیده است و يا اعتقاد دارم که هدف بودجه نبايد منحصر برفاه مالی جامه باشد بلکه بايد باعلاء اخلاقی و تزکیه روحی مردم نیز توجه گردد و اعتقادات ديگری از اين قبيل و چون عرايض و مطالب من منحصرأ در اين زمينه هاست اين شك براي من حاصل است که طرح مطالب و عموماً من از قبيل مخالفت با بودجه است یا فرط علاقه بحين اجراء آن ؟ البته ظن غالب خود من اينست که مباحثی از اين قبيل مخالفت و يا موافقت نيست بلکه وظيفه ايست که هرايراني شرافتمندی مکلف بتوجه بآنهاست .

و اما راجع بلایحه بودجه حقيقت اينست که کميت شگرف و مبلغ نجومی آن درد لمنم مانند دل هرايراني وطن پرست موجی از شادی برانگيخته است و چرا بر نيانگيزد؟ مگر در تاريخ شصت هفتاد سال پيش مملکتمان نخوانده ايم که کشورمان بخاطر سفر شاه وقت بااروپا و رفع رجوع يك رشته امور پيش پا افتاده بنا قبول تعهدات ننگين و با تحمل خفت و عواقب نامطلوب پانصد هزار تومان از دولت روسيه تساری بقرض گرفت و حالا که در ستون مخارج بودجه همین مملکت می بينيم که سالانه بديگر کشورهای جهان مبالغ هنگفت کمک بلاعوض ميکنيم چگونه ميتوان از احساس آن شادی و آن مسرت عاری و بری بود ؟

من پيش خود حساب کرده ام که معنی يك بودجه ۱۰۸ هزار ميليون تومانی اينست که دولت ما در هر ماه درست





قبیل ، اعتقاد مخلص اینست که متأسفانه سیستم اداری مملکت فرسوده و آلوده و در عین حال نارسا برای اجرای صحیح اهداف بودجه است .

در اینجا این نکته را هم بگویم که نیت من در طرح این مسائل عیجونی و بهانه گیری نیست بلکه غرضم اینست که دولت را حیثاً برقع این عیوب برانگیزم . این نکته را هم میدانم که رفع این عیب ، و سالم سازی محیط اداری مملکت ، کار آسانی نیست و نیاز بزمان دارد ولی این ایراد هم قویاً بدولت وارد است که چرا همیشه در مقابل افراد فاسد و متعدیان بحقوق عمومی بسکوت و اغماض گزینده است و در تنبیه حتی یک نفر از آنها قدمی برنداشته است چه میشد اگر از آن صاحب مقام صاحب سهم ۱۶۷ میلیون تومانی می پرسیدند که از کجا آورده ای؟

و یا چه میشد اگر بآن مهندسی که مدرسه کرمان را با تراز انداخت و امثال و نظائر و اقوان او ، لا اقل ملامتی میکردند .

و یا چه میشد اگر زمینهای بلعیده شده وقفی را از حلقوم ، حتی یک نفر ، از متنفذین موقوفه خوار بیرون میکشیدند ؟

و یا چه میشد اگر یکی از کلان دزدان اداری را ، ولو عبرتاً للناظرین محاکمه و مجازات میکردند ؟

و یا چه میشد اگر یکی از عربده کشان اداری می گفتند که مردم محترمند ؟

و یا چه میشد اگر یکی از اطاقهای اصناف ، این موجودات تازه مولود و عجیب الخلقه حزب ایران نوین می گفتند که فلسفه ایجاد و وجود تو تنظیم ارتباط میان خریدار و فروشنده است ، تو با چکار بکر ای به آبار تمانهای لوکس و قصرهای مجلل و زرق و برق و ریخت و پاش و بست و بند و توطئه ؟

و یا چه میشد اگر آنچه را که موجب صدور فرمان چهار گانه شاهنشاهی گردید ، خیلی بیش از این تاریخها از ریشه قطع میکردند ؟

و یا چه میشد اگر به تسلط رابطه مابرضابطه ها ایرادی میگرفتند ؟

آیا مجازات یک دزد ، یابی کار کردن یک مأمور مردم آزار ، یا توییح یک کارمند بی علاقه و مسامحه کار ،

چنان مشکل بوده است که بهتر دیده اند همه چیز نادیده انگاشته شود و یا من چنان غافلم که هنوز ۹۰ بلزوم تشویق خادم و تنبیه خائن اعتقاد دارم ؟

و مجموعه همین مسائل است ، که در هرنوبت که لوایح بودجه مطرح میگردد مرا بر میانگیزد که از صمیم قلب و بساقفه عشق بوطن و عشق ب مردم از دولتی که صاحب و مجری و پاسدار بودجه مملکت است تقاضا و خواهش کنم که بوضع آشفته و ملوک ادارات مملکت سروسامانی بدهد .

و اما پیش از این گفتیم که میدانم که اعاده صلاح و سلامت بدستگاههای اداری مملکت کار آسانی نیست و رفع این عیب کاریک و روزیک شب نتواند بود ولی در عین حال این اعتقاد را هم دارم که درمان و علاج هم چنان مشکل نیست که از محالات انگاشته شود با مقدری جرئت و تدبیر و مداومت میتوان این عیب را درمان کرد و چه خوب است که اینرا هم بدانیم که عیب زشت است ولی اجازه بادامه عیب زشت تراست و موجب شمساری و چون چنین است بتکرار در تکرار تقاضا میکنم باین درمان شروع کنید و هر چه زودتر هم شروع کنید . خاصه که شروع باین کار مدخل آسانی هم دارد که شاید بجا باشد نام آنرا تقوی بگذاریم . آری تقوی شاید بهترین معنی تقوی از کلمه تقوی همان باشد که نبی اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده اند : التقی من یقی من الحلال الموجود یعنی تقوی در گذشتن و امساک از مال حلال موجود است .

خواهش میکنم با شنیدن این کلام مرا به قشریت و جمود و ارتجاع و نا آشنائی بسیرت و روح زمان منسوب مدارید و بر من مخروشید که این غیر ممکن است چون غرض من از کلمه تقوی ، تقوی علی این ایطالبا با تقوی سلمان فارسی و یا تقوی گاندی نیست بلکه غرضم یک تقوی نسبی است که چیزی در حدود بی طمعی یا موال عمومی و علاقه بخدمت بهم نوع باشد که خوشبختانه وصول بآن با استفاده از زمینه های غریزی و فطری و روحی مردم کار آسانی است زیرا همه انسانها ، در هر موقعیت ، و در هر سن و در هر زمان ، و از هر نژاد و از هر کیش ، قهرمان هستند و آرزو مند شباهت با او . خواه از لحاظ باطن و

موجب استحکام مبانی اخلاق جامعه و گرایش آنهاست مکارم و بسبت تقوی باشد خوشبختی در این است که اتخاذ چنین رویه و اعمال چنین سیاستی ، نه تنها برای دولت مقتدر هویدا ، بلکه برای هر دستگاه ضعیف اداری هم سهل الاجراء و سهل الوصول است زیرا نظریه پادشاه خیر اندیش مملکت هم بر همین معانی است .

گفتم که مردم قهرمان پرستند و لابد آقایان توجه داشتند که این سخن از آن من نبود بلکه کلام و جمله ای بود که همه روان شناسان و جامعه شناسان در صحت مضمون آن اتفاق کلمه دارند ولی برای فهم معنی این کلام حاجت نیست که آدم دانشمند و روان شناس باشد بلکه هر شخص معمولی هم بکمال مشاهدات روزانه میتواند صحت مضمون و مفهوم آنرا درک و لمس کند و چون چنین است چرا ما از همین مدخل وارد اصلاح سیستم اداریمان و از آن بالاتر وارد اصلاح جامعه نشویم ؟

چه مانعی دارد ، ولو برای آزمایش هم که باشد ، برای یک بار تاج مقام و شهرت و قهرمانی را از تارک چند نفر آلوده برداریم و چند مشهتر بتقوی و وظیفه شناسی را بجای آنان بنشانیم و پس از چندی تأثیر همین یک کار کوچک را در اصلاح و پیشرفت امور و جلب امید مردم و درمان عقده های آنان ، ارزشیابی کنیم که اگر مفید بود بآن ادامه دهیم و اگر بیفایده بود برای همیشه متروک بگذاریم .

آیا اصلاح امور اداری مملکت و عقده گشائی از مردم باین آزمایش کوچک نمی ارزند ؟

و اما در مقدمه عرایض عرض کردم که با اعتقاد مخلص هدف بودجه نباید منحصرأ متوجه رفاه مالی مردم و اعتلاء مادی مملکت باشد بلکه درست بموازات این هدف باید با اعتلاء اخلاقی و انسانی و فکری مردم و رستخیز تقوای ملی نیز توجه شود و در این خصوص متأسفم از اینکه عرض کنم که هر چه در لایحه بودجه و هر چه در گفتگوها و توجهات پیرامون آن جستجو کردم چیزی که دال بر توجه و عنایت دولت و دولتیان باین مطلب باشد نیافتم و این برای من عقده ایست که چرا دولتهای ما در این خصوص هیچگاه برای خود و حتی برای مدارس و

خواه از لحاظ ظاهر و از همین زمینه روحی و روانی است که میتوان امیدوارانه تقوی را جانشین فساد کنونی جامعه ساخت . کما اینکه رواج فساد هم ، در جامعه ما ، از همین طریق یعنی از طریق پوشانده شدن لباس قهرمانی و شهرت باندام بی اندام عده ای فاسدی صلاحیت بوده است . آیا اگر مطبوعات شرافتمند ما و رادیوها و تلویزیون دولتی ما بجای اینکه برای ما و برای خانواده های ما ، مشاهیر و مدلهای قهرمانانی نظیر خانم گوگوش و آقای فریدون فرخزاد بسازند افرادی از قبیل جلال همائی و خلیل رجائی و محمود شهابی را مورد توجه قرار داده و راه و رسم آنها را ستوده بودند و یا اگر بعضی آنکه شلختگی و برهنگی و دلکچی و وقاحت و تجمل پرستی را بعنوان هنر و هنرمندی بستانند مکارم اخلاق و دانش و هنر اصیل را می ستودند آیا گمان می کنید روال اجتماع و مسیر نوجوانان ما همین بود که حالا هست ؟ حاشا و کلا .

(کاظم مسعودی - همه مطبوعات اینطور نیستند).

و اما برای وصول باین مقصود یعنی برای آنکه بتوان یک تقوای نسبی را در جامعه و در دستگاههای اداری مملکت تزریق کرد کافی است که کسانی را که از طرق غیر متقیانه و نامشروع و مخرب و باصرفاً بخاطر رابطه ها بمقام و شهرت و بقهرمانی رسیده اند از اریکه عزت و احترام بزیر کشیده و کسانی را بجای آنان بنشانیم که بسیاق تقوی زندگی کرده و در طریق وطن پرستی و مناعت و کم خواهی و پرکاری و خدمت صادقانه گام برداشته اند .

گمان نکنیم و گمان نکنید که جامعه ما از وجود چنین اشخاصی خالی مانده باشد ، خیر . خوشبختانه در همه ما و جنجالهای تقوی کش جهان کنونی ، هنوز هم اکثریت جامعه ما را کم و بیش و باضعف و شدت ، همین گونه افراد متقی تشکیل میدهند . کما اینکه در همین دستگاههای آلوده اداری مملکت نیز هنوز هم افراد پرهیزگار و کم خواه و پر کار فراوانند و بالا اقل کم نیستند و برای آنکه نسل چنین اشخاصی منقرض نشده و خود آنان کشف شوند و مجال تجلی پیدا کنند و روز بروز بر تعداد آنان افزوده شود کافی است که ما باصرف کمی علاقمندی و با کمی تدبیر و باجوی همت مقداری از رویه های فساد پرور فعلی را متروک بگذاریم و برویه ها و اموری روی آوریم که

دانشگاهها و وسائل ارتباط جمعی خود وظیفه ای قائل نبوده و مسئولیتی احساس نمی کنند. پس این کلمه پرورش که در دنباله اسم وزارت آموزش و پرورش ما گذاشته شده چه خاصیتی دارد؟

چرا هدف دانشکده ها و دانشگاه های ما فقط این باید باشد که متخصص بسازیم. آنهم هدفی که متأسفانه توفیق وصول با آنرا نداشته ایم. مگر نمیدانیم که يك متخصص اگر خیلی هم رشد کند و تخصص پیدا کند حداکثر بصورت يك آدمك آهنی و يابك کامپیوتر در می آید و جامعه و مملکت و اجتماع انسانها را فقط با کامپیوترها نمیتوان اداره کرد و خوشبخت ساخت و یا مگر نمیدانیم که ارزش هر جامعه و هر آدمی بانسانیت و بکارم اخلاق و مبنای روحی اوست؟

من معتقدم که اگر جامعه و یا آدمی از قوام اخلاقی و خصایص مردمی و از جهان بینی صحیح بی بهره باشد، حتی در اوج رفاه مادی نیز يك موجود بدبخت است که اگر خوشبخت هم باشد خوشبختی او بیش از خوشبختی يك گاو پرواری نیست و کیست که نداند که چنین خوشبختی زبینه يك انسان نیست؟

شما دولتیان محترم اگر نخواهید عمق مفهوم این مطلب را از زبان مخلص بشنوید به پشیمانی و ندامت عقلاء و متفکرین و متصدیان تعلیم و تربیت ملل پیشرفته بنگرید که در بیست سی سال اخیر اصول تعلیماتشان را منحصرأ بر متخصص سازی قرار داده و نسبت بتربیت روحی و اخلاقی جوانانشان بیطرف مانده اند من يك آشنای آلمانی دارم که نامش دکتر هانس است و دکتراي فلسفه دارد و شغلش دبیری دبیرستانهای بن و گودسبرگ است او برای من از کج تایی و بی قراری و بی هدفی و تنبلی شاگردانش داستانها میگفت که هم مضحك بودند و هم چندش آور. از او سؤال کردم که این جوانها چرا باین حال افتاده اند؟ خلاصه پاسخ او این بود که کشور آلمان در زمان جنگ له و خرد شد و بعد از جنگ آلمانها و همچنین دولتها و خانواده های آلمان برای تجدید بنای مملکتشان و برای تجدید بنای اقتصادشان چنان سرگرم و چنان مشغول بودند که متأسفانه مجال تربیت فرزندان شان را پیدا نکردند و متأسفانه بوضع اسفباری رسیدیم که حالا از حل آن

عاجزند و اوباکمال تلخی پیش بینی میکرد که آلمان آینده مبهمی در پیش دارد زیرا مردان آینده آن از تربیت صحیح و قوام اخلاقی بعد کافی برخوردار نیستند حالا بخودمان برگردیم آیا اینکه در روزنامه ها میخوانیم و یا متأسفانه باچشمان خود می بینیم که قبل از ظهرها کلاسهای درس خالی است و کافه ها و کبابه ها و دانسینگها و بارهایمان از نوجوانانمان انباشته است برای ما زنگ خطر نیست؟

بگذارید برای اینکه اهمیت مطلب روشنتر شود بتاريخ نگاهی بکنیم من تاریخ زیاد میخوانم و آنچه که از آن دریافته ام اینست که ایران و تمام ملل جهان در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود همیشه زمانی در هم شکسته و بر قیت کشیده شده اند که مردم و خاصه طبقه حاکمه آن رفاه مالی داشته ولی استحکام اخلاقی نداشته است و درست معکوس قضیه ملت ها زمانی بپا خواسته و کسب سرفرازی کرده اند که استحکام اخلاقی توأم بارفاه مالی داشته اند.

برای درك مطلب تفحص زیاد لازم نیست. يك نگاه سطحی بزمان و اوضاعی که کورش کبیر و اردشیر بابکان و یعقوب لیث و شاه اسماعیل صفوی را ایجاد کرده اند از يك سو و از سوی دیگر يك نگاه سطحی باوضاعی که دارای سوم و یزدگرد سوم و محمد خوارزمشاه و شاه سلطان حسین را خلق کرده کافی است و باید یادآوریم که در دوران شاهنشاهی که همه فضائل کورش و همه خصائل شاه اسماعیل و شاه عباس کبیر و همه امتیازات نادر شاه و دیگر پادشاهان پرافتخار ایران را دارد و اینهمه ترقی و تعالی ملك و ملت را فراهم آورده است شما دولت و ما نمایندگان مجلس نباید بگذاریم بر اثر نعمات و ثروت فراهم آورده شده مردم به زمینه های غیر اخلاقی و خدای نخواسته باسایش و تن پروری و تجمل پرستی که اشاره کردم بگرایند و از وظائف ملی و کوشش در تحکیم مبنای اخلاقی، که همواره شاهنشاه بیدار بدان اشاره و ارائه طریق میفرمایند غافل گردند.

در اینجا اگر من میدانستم که شما هم در این اصول با من موافقید سؤال میکردم که پس چرا در بودجه ای که بازگو کننده همه تدابیر دولت و تعیین کننده همه سیاستهای اوست

چرا يك اشاره كوچك باین معانی نشده و بالا اقل چرا در برنامه وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و وزارت تبلیغات توجهی باین مطلب نشده است و آیا این نقص دلیل بی اعتنائی دولت بمسائل اخلاقی جامعه نیست خدا کند که چنین نباشد.

سخن بردار از کشید و قسمتی را از آنچه که دل تنگم میخواست گفتم از طول کلام معذرت میخوانم ولی اجازه بدهید این نکته را هم اضافه کنم که هم اکنون که ظاهراً عرض خود برده و زحمت دگران داشته ام نمیدانم که تلقی دولت و دولتیان محترم و زعمای مجلس و نمایندگان ملت و دیگر شئون دگران از عرایضم چه بود و آیا آنها را صحیح میدانند یا نه؟ ولذا خواهش میکنم اگر آنها را صحیح نمیدانید، یعنی اگر می پندارید که بدون مقدمه هم میتوان به هدف رسید و یا اگر می پندارید که سیستم اداری مملکت آلوده نیست و یا اگر می پندارید که بودجه حتی با يك سیستم اداری فاسدهم به نتیجه کافی و مطلوب خواهد رسید خواهش میکنم آنچه را که گفتم ناشنیده بیان نگارید. منم قول میدهم که بار دیگر عرض خود نبرده و زحمت دگران نداشته و گرد این توهمات سخیف نگردم و اگر همه عرایضم را یا هر ویی اساس نمیدانید خواهش میکنم بدون تأسف از گذشته ها نوعی با آنها توجه فرمائید. این را هم اضافه کنم که هر چند تأسف بر گذشته زبینه فرزندانگان نیست پندنا گرفتن هم شیوه فرزندی نیست. عرض دیگری ندارم (احسن - احسن).

رئیس - آقای دکتر فروزین بفرمائید.

**دکتر فروزین** - ریاست محترم مجلس شورای ملی و همکاران محترم اساس آنچه در اینجا بیان خواهم کرد عبارتست از دفاع از هدفهای دولت و بودجه دولت در امر آموزش عالی و امور مربوط بجانان برای این دفاع من سعی خواهم کرد که هدفهای دولت را مشخص کنم و هدفهای بودجه را مشخص کنم و بعد نتیجه بگیرم که دولت آیا با استفاده از این بودجه و اعتبار در سال آینده باین هدفها خواهد رسید یا نه. البته در ضمن سخنانم گاهی بدوستان عزیزم در صرف اقلیت که مطالبی بیان کردند با ذکر عدد و رقم پاسخ خواهم داد و ثابت خواهم کرد که گفته هایشان تا چه حد درست بوده قبل از وارد شدن بسختم

دوست عزیزم آقای طباطبائی راجع بتانتشار این مطالب از رادیو و تلویزیون مطالبی فرمودند بنظر شما نمایندگان ملت ایران برای مملکت ما چه چیز مهمتر از بودجه است آیا تصور نمی کنید که تمام مردم در سراسر مملکت باین مسئله علاقه دارند که به بینند در هر قسمت دولت چه اعتباراتی برای آنها در نظر گرفته این که بد نیست که ما بگذاریم مردم کوچه و خیابان هم از آنچه که دولت برای آنها در نظر گرفته است باخبر شوند و اگر احیاناً تلویزیون آن کسی که متخصص گذاشتن این قسمتها پشت سر هم هست يك وقت، يك قسمت را کمتر نشان میدهد یا تمیهد فکر نمی کنم این مورد تقصیر دولت باشد که بگوید این قسمت را بگذار و آن قسمت را نگذار وظیفه دولت بالاتر از این حرفها است بخصوص آنکه اگر مجموع فیلمها را نگاه کنید می بینید از بیانات همکاران عزیز من در صرف اقلیت بیشتر منتشر می شود تا مجموع بیاناتی از همکاران من در صرف اکثریت، و من شخصاً باین مسأله اعتراض دارم بخصوص که تلویزیون دودفعه وقت خبری دارد و ببینید که تمام برنامه هایش را روی این مسأله متمرکز کرده که بانهایت بیطرفی آنچه را که مورد علاقه همه مردم است منتشر کند. ۲۶ سال پیش یعنی در سال ۱۳۲۶ يك دانشجو وارد دانشگاه تهران شد که بتحصیل پزشکی پرداخت دانشجوئی بود متأسفانه تنگدست و مجبور بود کار کند و زحمت بکشد و شبها درس بدهد و برای روزنامه ها و مجلات مقاله های علمی ترجمه کند تا در آن موقع که شهریه دانشگاه نسبت بدرآمد آن روز مردم گرانتر از امروز بود هر روز يك تومان و ۶ ریال و ۵ ریال کنار بگذارد تا شهریه دانشگاه را بپردازد. کتابهای آن زمان هم مثل حالانلود و اغلب بزبان خارجی و گران بود و چند دانشجو مجبور بودند که شريك بشوند و يك كتاب بخرند امشب پیش يك دانشجو باشد و فردا شب پهلوی يك دانشجوی دیگر و شب سوم پهلوی نفر سوم و شریکی و قرضی تحصیل علم کنند، وقتی این دانشجو مریض می شد جانی نبود که برای درمان مراجعه کند روزهاییکه از جلوی باشگاه دانشگاه که حالا بهترین رستوران دانشجوئی در آنجا هست می گذشت گاهی آرزو میکرد پول کمی داشت تا بتواند يك غذای

گرم بخورد. من اسم این دانشجویان را نمیبرم ولی امیدوارم که شما حدس زده باشید که کیست. اما بعد از گذشت ۲۶ سال از روزگاری که هیچکس بسرنوشت جوانها فکر نمیکرد نخست وزیر خدمتگزار در آغاز یازدهمین سال فعالیت حزب ایران نوین راجع بجوانی که عرض کردم روزگاری برای يك لقمه غذای گرم دلش پرپر میزد چنین گفتند آنچه که در آموزش عالی حائز اهمیت است دگرگونی در صد دانشجویان در رشته های مختلف تحصیلی است هم اکنون ۳۵٪ دانشجویان در سطح های مختلف رشته های مهندسی و پزشکی مشغول تحصیل هستند، حال آنکه امروز دانشگاههای ما باید در رشته های مختلف آقای طباطبائی توجه بفرمائید این گفته نخست وزیر است در رشته های مختلف متخصصینی تربیت کنند که ادعای برابری آنها را با کشورهای پیشرفته مهم صنعتی دنیا داشته باشند. این افتخار این مملکت است که در چنان سطحی متخصص تربیت می کنیم، چرا نکنیم اگر حالا باید به متخصص مکارم اخلاقی هم یاد داد حرف جداگانه است من هم موافقم ولی مسأله اینکه دانشگاهها در تربیت متخصص با موفقیت روبرو نبودند صحیح نیست و بنده در اینجا با استفاده از اعداد و اعتبارات ثابت می کنم که دولت موفقیت داشته است اما در آغاز یازدهمین سال فعالیت حزب ایران نوین دبیر کل عزیز ما در مورد جوانان فراموش شده ۲۶ سال پیش چنین میگویند «جوانان وطن ما در خط اول و آغاز صف ها هستند و همه ما با تلاش افزونتر در خدمت آنها خواهیم بود، زیرا فردا از آن آنهاست و این جوانان امروز هستند که باید بادرک مسائل و مشکلات برای اداره مملکت آماده شوند و با شناخت واقعیت ها و ارزش سنت های پسندیده از گرایش نامانوس و هر آنچه که از سوی غرب آمده بهره زنند و با ترکیبی از سنت های ارزنده ملی و تکنیک و علوم جدید جامعه فردا بصورتی که ایرانی آباد و سربلند و آزاد که برای زندگی ایرانی مناسب باشد بسازند» وقتی این دانشجوی ۲۶ سال پیش روزی که جناب هویدا و دبیر کل عزیز حزب این حرف را می گفتند در دلش اشک میریخت چون در ۲۶ سال پیش کسی نبود که بفکر این جوانها باشد دولت ها در فکر جوانها نبودند برای اینکه در این مورد بیان کنم

که دولت تاجه حد در برنامه آموزش عالی موفق بوده است مجبورم از ارقام و اعداد سخن بگویم. دنیای قرن بیستم دنیای عدد و رقم است در روی این میز پنج میکرفن است من ده انگشت دارم الا در این مجلس ۱۱۴ نماینده وجود دارد، خلاصه امروز همه افکار و بیانات و حتی مطالب معنوی را با رقم و عدد مشخص میکنند، کامپیوترها حتی می توانند میزان عشق و محبت و در ذرا با عدد اندازه بگیرند در اینکه دولت موفق بوده یا نه باید بسوی عدد رفت بدون ذکر عدد و دلیل آنچه انجام شده باشد تنها با گفتن حرف نمی توان ثابت کرد که دولت موفقیت داشته یا نه و من از ارقام تا آنجا که بتوانم کمک میگیرم در برنامه آموزش عالی دولت ملاحظه فرمودید در سال ۱۳۵۳، ۱۰۴۸۵ میلیون ریال برای آموزش عالی در نظر گرفته شده و دانشجویان از ۱۲۵ هزار نفر به ۱۳۳ هزار نفر خواهند رسید و من بدوست عزیزم جناب طباطبائی مژده میدهم که از امسال بیشتر دولت به تعلیم و آموزش کیفی دانشجویان خواهد پرداخت و بیشتر از هر زمان این کار را انجام خواهد داد، و من ثابت خواهم کرد که تا بحال همین کار را هم کرده است و باید همراه با تربیت کمی دانشجویی به تربیت کیفی هم پرداخت و الا غیر ممکن است که در دنیای پر آشوب امروز تنها با متخصص تربیت کردن و بدون سرمایه معنوی وارد اجتماع کردن موفق بود. در مورد تحقیقات که آقای دکتر ریسی ذکر کردند و فرمودند کافی نیست دولت ۷۴۵ میلیون ریال در بودجه گذاشته که آن تحقیقات در سطح ملی برای مملکت و رفاه ملت ایران مثل تحقیقات بیماریهای بومی است، چون نمی خواهم زیاد صحبت کنم و اردر زار قلم نمی شوم ولی عرض می کنم که يك سلسله تحقیقات است که در دنیا کشورهای بسیار متمدن انجام میدهند و مصلحت است که از نتیجه تحقیقات آنها بدون صرف دیناری پول استفاده کنیم و در این کارها پولی صرف تحقیقات نکنیم در مورد قسمت های دیگر مثل مدارس فنی و حرفه ای و تعلیم مربی و نظیر اینها دولت بطوریکه مطالعه می کنید اعتباراتی در نظر گرفته و رقم های ارزنده ای ذکر کرده است که من نمی خواهم آنچه نوشته شده در اینجا ذکر کنم فقط مدارس آموزش عالی و دانشکده هایی را که از پار سال تا امسال تأسیس شده اسم

می برم، آموزشگاه پرستاری نیروی هوایی دانشکده علوم شیمی، مهندس شیمی و راه و ساختمان در دانشگاه پهلوی، اینها همه از اسفند ۵۱ تا اسفند ۵۲ تأسیس شده قسمت ارتوپدی روان پزشکی اجتماعی دانشگاه پهلوی، مدرسه عالی پرستاری پارت، مدرسه عالی برنامه ریزی و کاربرد کامپیوتر، مدرسه عالی کوروش کبیر در اصفهان، رشته ماشین آلات کشاورزی در دانشگاه پهلوی، مدرسه عالی معدنی شاهرود و مدرسه عالی دماوند آموزشگاه عالی حفظ محیط زیست توان بخشی شفا تیان، رشته زبان و ادبیات دانشگاه مشهد، رشته بیوشیمی دانشگاه اصفهان آموزشگاه فنی وابسته وزارت بهداری، تکنیسین علوم آزمایشگاهی موافقت با ایجاد رشته ریاضیات کاشان، مقدمات تهیه دانشگاه ابوعلی سینا و مدرسه عالی نساجی مازندران، پژوهشکده فرهنگ. تصور بفرمائید برای تربیت معلم ۱۶ سال و برای تربیت استاد ۳۰ سال وقت لازم است این کارخانه کفاشی نیست که اتوماتیک این طرف کار کند و از آن طرف معلم بیرون بیاید، دولت سرمایه اش را دارد و علاقه هم دارد که دانشگاه بیشتر وجود بیابد و دولی دانشگاه احتیاج معلم و استاد دارد و باید همزمان با این امکانات آنها را تربیت کند و این حداقل مدنی است که برای تربیت يك معلم لازم است یعنی ۱۶ سال طول میکشد و نباید انتظار داشت که دولت ظرف ۳ سال و ۵ سال بتواند چنین نیاز مندیها را تماماً مرتفع نماید. قسمت دوم پیشرفتهای کمی و کیفی مربوط بدان دانشجویان است خوشبختانه در مورد دانشجویان و آموزش عالی با موفقیت های زیادی روبرو بودیم و دولت تاجاییکه امکان داشته توانسته است بجلو برود و به هدف های خودش برسد و در همین مورد شاهنشاه آریامهر رهبر بزرگ انقلاب فرمودند در مسائل آموزشی هر روز ما با موفقیت های تازه ای روبرو هستیم و نه هر هفته و هر ماه این فرمایش رهبر انقلاب است چه بیانی بهتر از این مستدل تر از این می تواند بیان کند که دولت حتی روزی از دست نداده است و هر روز يك موفقیت تازه پیدا میکند، در مورد دانشجویان آنچه در زمان خدمتگزاری آقای هویدا انجام میشود و در قبل وجود نداشته است یکی امر گفت و شنود بین استاد و دانشجو است من برای اینکه بگویم از کجا این مطالب را گرفته ام که شاید نماینده

محترم اقلیت بخوانند بدانند عرض میکنم در دربار شاهنشاهی و امور اجتماعی يك سازمان فعال و پر حرکت بازرسی و آموزش عالی و پژوهش علمی وجود دارد که در امر گفت و شنود در ۶۲ رشته آموزشی در مملکت روی ۴۵ تایش مطالعه کرده است بررسی امر گفت و شنود توسط این سازمان انجام شده است در این کتاب که توسط بازرسی پژوهش های علمی درباره شاهنشاهی منتشر شده است. مطالعات انجام شده نشان داده است که در تعدادی از واحدهای آموزش عالی هنوز هم از گفت و شنود بعنوان مهمترین وسیله جهت ارشاد در مسایل اجتماعی استفاده می شود انجمن های دانشجویان یکی از مظاهر انقلاب است که شاهنشاه بارها توصیه فرمودند که با ایجاد انجمن های دانشجویی، دانشجوی خودش در سرنوشت خود شریک باشد و بداند که چه مسؤولیتی در اجتماع دارد از مؤسسات آموزشی مملکت ۲۸ مؤسسه دارای انجمن های دانشجویی است و این انجمن های دانشجویی علاوه بر آنکه در هر دانشکده ای وجود دارد از مجموع آنها هم يك انجمن درست شده است این انجمن ها راجع به رفاه دانشجویان، راجع به تقسیم وام راجع به کار اداره خوابگاهها و رستورانهای دانشجویی و تریا و بوفه ها و فروشگاههای دانشجویی تصمیم میگیرند، دانشجوی ۲۶ سال پیش دارای کد امیک از اینها بود، تریا، وام، رستوران، خوابگاه، بورس، و همه اینها در عالم تخیل بود از جمله شرکت انجمن های دانشجویی در امور تعاونی های دانشجویی، سوم خوابگاه دانشجویان، جمعاً در ۶۲ آموزشگاه عالی ۱۲۳ خوابگاه وجود دارد، در آن ۲۶ سال پیش دانشجوی معلوم نبود کجا باید بخوابد بعضی وقت ها میرفتند و بر نمیگشتند معلوم نبود مردند زنده ماندند، چطور شدند. در این خوابگاهها بدان دانشجویان مثل پدر رسیدگی می کنند و من در اینجا يك رقم افتخار آمیزی می بینم از ۱۴۱۳۲ نفر که تقاضای مسکن کرده اند ۱۲۴۹۱ نفر مسکن گرفته اند و این افتخار آمیز است که توانسته اند در این حد مسکن به دانشجویان بدهند بعضی از مؤسسات عالی مثل دانشگاه تهران و دانشگاه صنعتی آریامهر به صدر صد دانشجویان تقاضای مسکن و ایوام مسکن داده است چهارم مشاغل دانشجویی در ۴۹ مؤسسه از

۶۲ مؤسسه آموزش عالی ۱۴۸۹۰ شغل دانشجویی هست و بعد رقم مهمی است که جمع متقاضیان کاربر برای امور دانشجویی ۲۱۹۵۴ بوده که از این تعداد ۱۴۸۹۰ نفر یعنی ۶۸ درصد از مشاغل دانشجویی استفاده کرده اند پنجم وام دانشجویی - تعداد دانشجویانی که در سال پیش از وام استفاده می کرده اند ۱۵۱۰۰ نفر است و جمع کسانی که تقاضای وام کرده اند ۱۸۷۴۱ نفر بوده است ملاحظه میفرمائید از ۱۸۷۴۱ نفر که تقاضای وام کرده اند ۱۵۱۰۰ نفر یعنی متجاوز از ۸۰ درصد توانسته اند از وام دانشجویی استفاده کنند این وام دانشجویی فقط ۱۵۰۰۰ تا از طرف قسمت های دولتی و مؤسسات دیگر آموزش عالی بوده است و در سال جاری آقای نخست وزیر و نخست وزیری این وام های دانشجویی را افزایش داده است و امروز که ماه دی است تا امروز فقط ۱۵ هزار نفر از دانشجویان از وام نخست وزیری استفاده کرده اند علاوه بر اینها وام آموزش عالی ۲۷۷۶ بجای خود باقی است و وام بنیاد پهلوی ۲۲۲۱ بجای خودش باقی است و وام مؤسسه اعتباری دانشگاه ۱۴۰۷ باقی است و بالاخره وام مؤسسات دیگر و وزارت علوم ۱۴۰۰ نفر بوده است ششم بورس و کمک هزینه های تحصیلی بلاعوض - تعداد ۳۷۳۵ دانشجوی بورس و کمک های تحصیلی بورس استفاده کرده اند البته برای استفاده از این بورسها شاگرد باید شاگرد خوب و ممتاز باشد و این باعث می شود که شاگردان بگویند تا نمرات بهتری بگیرند - بورس علیا حضرت فرح پهلوی ۸۷۰ نفر که از جمع بورس گیرندگان ۲۳/۵ درصد بورس گیرندگان را تشکیل میدهد و بالاخره یکی از مهمترین مسأله راجع به بورسها معاف کردن دانشجویان از پرداخت شهریه است که ما سابقاً داشتیم ۲۰ مؤسسه آموزش عالی اعلام کرده اند که عده ای از دانشجویان خود را بر اساس ضوابطی از پرداخت شهریه معاف خواهند کرد در مورد کارمندان دولت لازم است مطلبی را بگویم سه چهار ماه پیش آئین نامه ای از طرف سازمان امور اداری تهیه شد و بدولت داده شد که برای آن دسته از کارمندان دولت که در ادارات و یا وزارتخانه ها خدمت می کنند اگر دولت یا وزارتخانه و یا اداره ای احساس کرد که بمنتهی احتیاج دارد بکارمند خود

امکان خواهد داد که برود و در رشته های مورد نظر تحصیل کند و تمام مخارج تحصیل او را دولت تأمین می کند . در قسمت هفتم رستورانهای دانشجویی باز هم رقم ارزنده ای است از ۶۲ مؤسسه مورد بررسی ۴۴ مؤسسه دارای ۵۶ رستوران دانشجویی است و در این رستورانها غذاهای مناسب در اختیار دانشجویان قرار داده می شود که عرض کردم آن دانشجو که از جلوی باشگاه دانشگاه آن زمان رد میشد و آرزو میکرد که غذای گرمی باو داده شود حالا می بیند که ۵۶ رستوران هست که قیمت غذا در این رستورانها فوق العاده ارزان است و دولت رقمی برای کمک رستورانهای دانشجویی در نظر گرفته است تا دانشجو غذای گرم و کافی و مناسب بخورد و در همان رستورانها دور هم جمع شوند و مسائل ملی و میهنی را مطرح کنند میدانید که قیمت غذا در آنجا چقدر هست؟ برای ناهار حداقل ۱۵ ریال و حداکثر ۳۵ ریال شام حداقل ده ریال و حداکثر ۲۰ ریال و صبحانه ۶ ریال ، لابد یکی ممکن است بمن اعتراض کند که با ۲۰ ریال هم می شود غذا داد ولی من صورت غذای يك روز را میخوانم ، شیر - تخم مرغ - نان - چای - من که واقعاً گیر نمی آید که بخورم من که طیب هستم و کار می کنم اگر هر روز بخوام اینها را بخورم و رشکست می شوم و با ۶ ریال هم نمیتوانم اینها را بخورم . ناهار روز شنبه با قلابولو - ماست - پرتقال - پیسی کولا - خوب است دیگر همه اینها ۲۰ ریال ، و مادرباره بهداشت و بیمه دانشجویان یعنی چیزی که آن دانشجویان ۲۶ سال پیش نداشت از ۶۲ مؤسسه آموزش عالی ۴۰ مؤسسه وسایل بهداشت و درمان را برای دانشجویان فراهم کرده اند و این دانشجویان از درمان و دارو و پزشک استفاده میکنند و مراکز آموزش عالی در بعضی از آنها صد در صد مجانی است و در بعضی از آنها دانشجویان از درمان سهمی میبرند . بیمه دانشجویان : در حال حاضر ۵۲/۸٪ از کلیه دانشجویان کشور بیمه هستند و رقم بسیار ارزنده است و ۵۲/۸٪ رقم بسیار بزرگی است و روز بروز دولت با امکانات بودجه ای تعداد دانشجویانی را که از بیمه درمانی استفاده میکنند بیشتر میکند ممکن است برسید چرا

صد در صد نمیکند میگویم دارو می خواهد و وسایل می خواهد و با این روش که پیشرفته خوشبختانه بدولت جناب آقای هویدا فرصت خواهد داد که همه را بیمه کند و تعاونیهای دانشجویی شامل شرکت های تعاونی دانشجویی و صندوق تعاونی دانشجویی است . اینگونه تعاونیها با سرمایه خود دانشجویان تشکیل میشود دانشجو بعد از اینکه تحصیلش پایان پیدا کرد سهمش را میگیرد و فارغ التحصیل میشود تعداد دانشجویان عضو شرکت های تعاونی ۸۹۶۹ نفر است که ۱۱۸۷۹ سهم خریده اند و اداره بوفه ها و تریاها و فروشگاههای دانشجویی با همین تعاونیهاست هدف سپردن سر نوشت دانشجو بدست خود دانشجویانست دانشجویان حسن را دارند که خودش به رفیقش خواهد گفت بهتر کار کند دولت دیگر با اوسرو کار ندارد دوست خودش مسئول باشگاه میشود و یا تریا را اداره میکند . صندوق تعاون : از ۸۰ مؤسسه عالی با همکاری دانشجویان و مؤسسات آموزش عالی صندوق تعاونی درست شده و سرمایه این صندوق ها ۶۶۴۰۰۰۰ تومان میباشد این صندوق تعاونی خودشان جدا از کمک های مؤسسات عالی بدانشجویان وام میدهند کمک میکنند و بعد چون دانشجو خودش عضو است مجبور است وام را بپردازد امکانات را در اختیار بگذارد ، تریا و فروشگاه و بوفه : در تریاها و بوفه های دانشجویی انواع غذاهای سرد و گرم با قیمت ارز تر از آنچه که در رستورانها عرض کردم بهشان داده میشود و دو ۶۲ مؤسسه آموزش عالی ۸۰ تریا و بوفه وجود دارد . فروشگاههای دانشجویی بتدریج نضج و قدرت پیدا میکنند در این فروشگاهها لوازم تحصیل مورد نیاز دانشجویان رانتهی میکنند و با قیمت مناسب در اختیار آنها میگذارند . فعالیت های فوق برنامه دانشجویان - فرصتی است که از این طریق بدانشجو باید برسیم این امر فوق برنامه در آموزش عالی خیلی مهم است اگر بخواسته های فوق برنامه دانشجویان برسیم و ساعت خالی دانشجو را با فکر و حساب شده اشغال نکنیم احیاناً ممکن است گاهی آن افرادی که شناسنامه فارسی در جیب دارند ولی ایرانی نیستند پر کنند (احسن) و دولت در این باره

باموفقیت هائی روبرو شده است از فعالیت های فوق برنامه در مؤسسات آموزش عالی خدمات شایسته ای توانسته اند انجام بدهند که خوشبختانه نتیجه اش بخوبی روشن است کمیته های این فوق برنامه ها عبارتند از کمیته های گوناگون فوق برنامه که اختصاصاً راجع به برنامه های برسی و صحبت میکنند از ۶۲ مؤسسه آموزش عالی در ۴۵ مؤسسه این کمیته ها جوانها را برای مهارت خاصی که فوق برنامه است تربیت میکنند . این کمیته ها دارای کمیته موسیقی ، ورزشی ، هنری ، تأثیر کمیته فیلم و عکاسی است و برای دانشجویان فیلم های مناسب نمایش داده میشود کاش دوست عزیزم آقای زهتاب فرد اینجا بودند که راجع به سینمای جوانان مطالبی فرمودند خوشبختانه در مورد سینما چون نظر شما برای همه جوانان بود با اینکه سخن من در قسمت امور دانشجویی است باید عرض کنم این موفقیت ارزنده ای است فیلم های سینمایی روز با توافق با سینماها بدانشگاهها برده میشود و برای دانشجویان نمایش داده میشود . این برای شما آقای زهتاب فرد که در بیان اتان گفتید و دل من را واقعاً متأثر از احساس کردید متأثر از عشق به میهن کردید که يك نماینده مجلس اعتراف کند و بگوید که من در کنار خیابان کتابفروشی بودم ، زهی افتخار بر شما ، اینست نمونه بی نظری دولت هویدا و گر نه اگر قرار بود مثل آن زمانهایی که شما بهتر از من میدانید که نمی گذاشتند شما و من بمجلس راه پیدا کنیم و من و شما اینجا بودیم یکی از برنامه هائی که مؤسسات آموزشی انجام دادند بر برنامه های باز دید از موفقیت های مختلف مملکت است مثل مراکز صنعتی و ساختمانی های تاریخی و پیشرفته ای که مملکت کرده است در امر سلسازی ایجاد کارخانه ها و بسیاری از طرحها دیگر که خود این دانشکده هائی آیند ، اغلبشان مجانی و با پول کم این دانشجویان را به قسمت های مختلف مملکت و استانها و شهرستانها می برند و عملاً برای اینکه احیاناً دستخوش تبلیغات دروغ پرداز خارجی نشوند پیشرفت های وطن را بآنها نشان میدهند وزارت علوم و آموزش عالی با همکاری مؤسسات آموزشی دانشجویان را در فصل تابستان به اردوگاههایی که ترتیب می دهند به قسمت های مختلف مملکت میبرند آقای دکتر رئیسی به شمال هم می برند اگر دانشجو را به کنار دریا

ببرند عیب نیست. دانشجو باید از تمام امکاناتی که سایرین استفاده می کنند استفاده کند افرادی هستند از افراد مات باید بروند و از ساعات فراغت زندگی خودشان استفاده کنند و از بلاژهایی که وزارت علوم برایشان درست کرده بهره مند شوند. این را مانعی نمی بینم، فکر می کنم اقدام خوبی است که دولت کرده. یکی از مهمترین افتخارات در امر آموزش عالی بیشتر شدن تعداد زیادی نشریات دانشجویی است در سطح خود دانشجویان که در ۲۲ مؤسسه آموزش عالی دارای نشریات خاص خود هستند و بتدریج برای سایر مؤسسات هم شروع شده است که نشریات دانشجویی را خود دانشجویان و برای دانشجویان منتشر نمایند اینها بصورت پلی کیپی است. بصورت نشریات دیواری است بصورت روزنامه است و مؤسسات آموزش عالی گاهی در هزینه آنها کمک میکنند گاهی کاغذ با آنها می دهند گاهی ماشین پلی کیپی می دهند گاهی ماشین چاپ؛ وقتی خود دانشجو از این امکانات استفاده کرد، از پول، از ماشین، از چاپ استفاده کرد آنوقت فکر ایرانی هم بکار می افتد و برای رسیدن به هدف های ملی احساس خودش را بروی کاغذ می آورد. بهر حال این نشریات با پیشرفت های ارزنده و موقعیت های مؤثری روبرو شده اند.

۱۲- فعالیت های ورزشی - در بررسی هایی که انجام شده نشان داده شده است که فعالیت های ورزشی در سطح دانشگاه ها با موفقیت های بسیار رضایت بخشی روبرو بوده است. قدیم ها ۲۶-۳۰ سال پیش اصلا میدان ورزش والیبال، فوتبال یک چیزی بود که گاهی یک آدم بایستی برود در عالم او هام و تخیلات تا به آنها فکر کند اما حالا در مؤسسات آموزش عالی ۱۱۸ میدان والیبال ۱۰۸ میدان بسکتبال ۴۷ میدان تنیس، ۱۶ میدان فوتبال ۱۸ استخر شنا و ۱۶ سالن ورزش و غیره وجود دارد آنکس که درد کشیده می داند این یعنی چه؟ حضرت امیر در نهج البلاغه جمله ای فرموده است که در اینجا بهترین پاسخی است که من می توانم برای بعضی اعتراضها بیان کنم: العافی اذا دامت جهلت و اذا فقدت عرفت. قدر عافیت ها و سلامت ها تا وقتی که وجود دارد شناخته نمیشود و وقتی از دست رفت دانسته میشود در آن زمانها

که مانداشتیم هیچ نبود، روزنامه و نشریه نبود و اگر می خواستیم نشریه دانشجویی منتشر کنیم خود رئیس دانشکده مزاحم میشد و حالا امکان داده میشود به اینها و ماشین چاپش را هم می دهند. بهر صورت ملاحظه می فرمائید که در این مؤسسات آموزشی دولت با موفقیت همراه بوده است ممکن است این توفیق هارا بعضی از دوستان من در صف اقلیت بفرمایند صدر صد نبوده البته تا حدی صدق میکند برای جامعه متحولی مثل ایران که روز بروز جلو می رود امروز دولت یک قدم بجلومی رود فردا انقلاب صدگام جلوتر می رود. چون اقدام انقلابی است که برای فکر ایرانی و برای ایرانی و عظمت ایرانی بوجود آمده دولت هر چه بجلو برود بمناسبت حس افزون طلبی که شایسته ترین حس در جوانان مملکت است و بواسطه انقلابی که بوجود آمده باز فردا احساس کمبود میشود ولی این دلیل نمیشود که دولت بجلو نرود. جناب آقای رامبد! نکته ای را که بشما در بیرون جلسه عرض کردم الان هم عرض میکنم امسال موقعی که بنده مریض بودم و در بیمارستان بستری بودم در خارج از ایران تعدادی از دانشجویانی که در بیمارستان به دیدن من آمدند در روزهایی که چشم من بسته بود و تاریک بود و نمی دانستم آیا باز هم خواهم دید و ترس از ندیدن و کوری شدیدترین دردها را در درون من بر آشفته بود خیلی از دانشجویان با عقاید مختلف به دیدن من می آمدند، بعضی هاشان از شاگردان خود من بودند و در آن روزها من بمناسبت اینکه بستری و بیکار بودم حرفهای اینها را با عقاید مختلفی که داشتند می شنیدم تا به نتیجه ای که میرسم برسم. در اینجا یک نکته را بمناسبت اینکه جناب آقای نخست وزیر تشریف دارند خدمتتان عرض میکنم. یکی از مطالبی که لازم است راجع با آقای هوبیدا عرض کنم و بقلم سوگند که بخاطر هیچ مدافعه و نظر خاصی نیست و خودشان تصدیق خواهند کرد که این عمل انجام شده اینست که:

روزی که من در انگلستان در بیمارستان از اطباء عمل بیرون آمدم و چشم بسته بود و آینده ام تاریک تلفن بیمارستان زنگ زد گویی را برداشتم هنوز شاید کاملاً در برف طرف نشده بود. دیدم جناب آقای هوبیدا از آنطرف سیم از تهران می پرسند: دکتر فروزین عملت با توفیق توأم

بود؟ قسم خوردم بلافاصله بعد از عمل بود. نخست وزیری که اینقدر حساب دقیق دارد که یکی مثل من کوچک که حادثه ای برایش پیش می آید و می رود عمل کند حساب ایشان آنچنان دقیق است که من نمیدانم از کجا از ساعت عمل خبردار شده بودند در دقیقه ای که هر بیمار بخاطر آینده اش نگران است تلفن می کنند و می گویند اگر کمکی میخواهید از تهران سفارشی بد کترهای آنجا بکنم یا کار دیگری اگر دارید بگوئید من تشکر کردم و خدمتشان گفتم این تلفن شما در من این اعتقاد را بوجود آورد که احساس میکنم افرادی هستند که درباره سلامتی مردم اینسان هم فکر میکنند (زهتاب فرد - از احوالپرسی ایشان آقای مورخ الدوله سپهر هم متشکرند) جناب آقای رامبد لازم است یک نکته را در اینجا بیان کنم و از دولت بخواهم در این مورد بخصوص توجه بکنند این روزنامه ای که بنده منتشر میکنم اخبار پزشکی برای اولین بار در تاریخ آذرماه ۱۳۵۱ قبل از اینکه هیچ نشریه ای در ایران باین مسئله توجه کند اخبار پزشکی توجه کرد این مسئله مارکسیست اسلامی را که حالا خدمتتان عرض میکنم یعنی چه گروهی گمراه می آیند آیه های قرآن را میگیرند ضمعه را فتحه میکنند فتحه را کسره میکنند و از آنها نتیجه های غلطی میگیرند و بعد با کمال تأسف در آن نتیجه گیریهای غلط آنچه که استعمار با آنها دستور میدهد آن عقاید استعمار را هم در کنار آیات قرآن قرار میدهند و میگویند ما با افزودن عقاید مارکس و انگلس قرآن را تکمیل میکنیم آیا قرآن کتابی است که احتیاج به تکمیل دارد؟ در ابتدای قرآن قبل از شروع بهر مسئله ای درسوره بقره ذکر شده ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین و مشکى نیست که این کتاب راهنمای پر هیز کاران است شما پر هیز کار باشید تا این کتاب راهنمایان باشد اگر شما با کمال تأسف از راه منحرف شدید و پر هیز کار نبودید و فاسد شدید آنوقت است که دیگر این کتاب بنظر شما کامل نمی آید و گرنه قرآن کتابی است کامل و من خیلی تعجب میکنم از نظر خود آنها که چرا نمیخواهند این عقاید بزرگ و انحصاری که در قرآن هست ببینند که چطور رختی در قرن بیستم در سال ۱۹۷۴

با آخرین تئورهای علمی هم آهنگ است در قرآن راجع باز دواج بانزدیکان منع شده قانون هموزیگوسی کشف آن ۱۹۱۲ است ولی در ۱۳۰۰ سال پیش این موضوع را حضرت محمد (ص) متوجه شد در قرآن آمده است که مسلمان نباید الکل بخورد و کشف پروفور رونالدسون راجع به تأثیر الکل در روی قشر مغز در سال ۱۸۳۸ می باشد نخوردن گوشت خوک که در قرآن آمده با اصطلاح تریشینوز در ۱۹۱۸ کشف شده است اما یک مسئله دیگری که جالب است برایتان بگویم در مجله هما مطلبی ذکر شده بود که من خوشم آمد در چنین مجله هایی چنین مطالبی هم دیده میشود راجع به فرضیه های انیشتین توجه کنید که این فرضیه با مضامین قرآن هم آهنگ است و این عظمت قرآن را میرساند فرضیه انیشتین چه میگوید؟ میگوید وقتی سرعت زیاد شد زمان کوتاه میشود سرعت که بینهایت شد زمان صفر میشود اگر ما بر موشکی بنشینیم و با سرعت نور بسوی سیارات سیر کنیم میتوانیم بگذشته هایی که خیلی گذشته است برویم و دوباره گذشته ها را ببینیم یا اگر در بعد فضا و در بعد زمان حرکت کنیم آینده را هم خواهیم دید سوره کهف در این مورد چنین میگوید دولشوا فی کهفهم ثلاث مائة سنین و ازادوا نساء و حجات بکشند آنهائی که میگویند با چنین افکاری میخواهیم قرآن را کامل کنیم (بکنفر از نمایندگان - قرآن کامل است) (عباس میرزائی - هر کس قرآن را بنظر خودش تغییر بدهد خدا لعنتش کرده است) در مسئله دانشجویان خارج از کشور قسمتی را دوست عزیزم جناب آقای دکتر رشتی فرمودند و من عمیقاً از آقای نخست وزیر تشکر میکنم روزی که من در نطق قبل از دستور راجع به دانشجویی صحبت کردم که سه کشف کرده است تصدیق کردند و او را تشویق کردند و بعداً متوجه شدم که این تشویقها همواره بوده است و این باعث دلگرمی دانشجویان میشود دولت در مسئله دانشجویانی که در خارج هستند دیدید که بنازگی قدمهای دیگری هم برداشت و گروههایی بخارج رفتند برای جذب محصلینی که در خارج فارغ التحصیل شده اند فقط امسال از ۱۰۰ نفر فارغ التحصیل که بایران آمده برای سه هزار نفر از طریق دفتر آقای نخست وزیر در مؤسسات دولتی شغل پیدا شده بقیه شان هم در مؤسسات خصوصی مشغول کار شده اند پس دولت متوجه جذب فارغ التحصیلانی که از خارج می آیند هست دولت نیازی به تکلیسین های مختلف دار دیدید که برای دانشجویانی که مثلاً در انگلستان

هستند هیئت معین شده است که با مؤسسات آموزش عالی و فنی انگلستان صحبت شود که در رشته های نقشه برداری نقشه کشی تکمیل کننده های حرارت مرکزی، صنایع غذایی محاسبات فنی، شیمیائی، تأسیسات الکترونیک، کشاورزی، حفاری، مخازرات و ابزار دقیق و غیره اینها بروند و در این رشته ها تفحص بکنند در مؤسساتی که در قسمت های فنی کار میکنند راه پیدا کنند در امر یکسافرت ایران برای تمام دانشگاهها و مراکز آموزشی آن کشور پرسشنامه هایی فرستاده است که دانشجویانیکه در آن مؤسسات تحصیل میکنند نامشان را برایشان بفرستند رشته تخصصی شان و وضع تحصیلی شان ممکن است پرسیده شود که چطور دولت خودش از تعداد دانشجویان خبر نداشته است؟ تعدادی از این دانشجویان بعنوان گردش و توریست با آنجا رفته اند بعد باین فکر افتاده اند که بروند درس بخوانند بدون اینکه اینجاقبل چنین هدفی داشته باشند دانشگاههای امریکام پرسشنامه ها را که جواب داده شده به کامپیوترهای مخصوصی که همین حالا سفارت ایران در آنجا صحبت کرده و با جاره خودش در آورده است خواهد فرستاد و آنها را با استفاده از کامپیوتر این تخصصهای علمی را طبق بندی خواهد کرد تا در مواقع مناسب بتواند از آنها استفاده کند. یکی دیگر از مطالبی که بنده لازم میدانم عرض کنم اینست که در خارج از ایران دولت با موفقتهائی در مسئله دانشجویان روبرو بوده و این موفقتهای را بتدریج تکمیل تر خواهد کرد همین روزنامه های روز که سابق بر این در کشورهای خارج اگر آدم میخواست از اخبار و وطنش با اطلاع باشد نمیتوانست و اطلاعی نداشت الآن در بسیاری از کشورها منتشر میشود و واقعاً وسیله ای است برای دانشجویان که بتوانند از پیشرفتهای مملکتشان با خبر شوند البته این منتشر کردن روزنامه ها بتدریج در سایر کشورها هم انجام خواهد شد این مسئله را من ذکر کرده ام یکبار دیگر که ۱۵ هزار دانشجو فقط از قسمت نخست وزیری بخاطر اینکه در مؤسسات آموزش عالی و مدارس درس میدهند و فعالیت علمی میپردازند ماهانه پولی دریافت میکنند و این مسلماً بهترین کاری است که انجام شده و برای تشویق دانشجویان انجام خواهد شد در مورد دانشجویان

داخلی و خارجی مطالبی بیان کردم حال میپردازم بیک نکته و آن فعالیتهاست است که دولت در سطح جوانان کارگر انجام داده است در قسمت سواد آموزی وزارت کار در سال ۱۳۵۲-۷۵ هزار کارگر را با سواد کرده و تا آخر سال خواهد کرد و در سال ۵۳ هم ۱۰۰۰۰۰ نفر را در نظر گرفته اند صندوق کارآموزی کارگران جوان که توانسته کارگران جوان را برای مهارتهای خاصی که در رشته صنعت دارد آماده کند و با موفقیت های ارزنده ای روبرو بوده است و حتی گروه های بسیاری را برای تربیت حرفه ای جوانان شهرستانها و استانها اعزام شده است برنامه خانه سازی بانک رفاه کارگران که ۳ میلیارد و ۲۷۷ میلیون و ۲۷۴ هزار ریال در دوران انقلاب فقط بکارگران وام داده شده است و بسایر افراد ۵۹۶ میلیون و ۴۰۵ هزار ریال وام داده شده است. در مورد تربیت بدنی کارگران جوان بحث نمی کنم خودتان در میدانهای ورزشی جهان یاد داخل وطن دیده اید که اینها به چه پیروزیهای درخشانی نائل آمده اند و بسیاری از اینها که شاهد پیروزی را در آغوش گرفته اند، کارگر بوده اند (صحیح است) در وزارت کار اردوگاهها و مراکز رفاهی کارگران قدمهای بسیار ارزنده ای برای کارگران برداشته شده است. خریداری ۳۰۰۰۰۰ هزار متر زمین برای ایجاد فضای سبز در بندر پهلوی برای استفاده کارگران و استراحتگاههایی که در شمال ایجاد شده، و یلاهایی که در محمودآباد برای کارگران و همینطور در کرمان و بندرعباس و شاهی و اراک و کرمانشاه و یزد درست شده و سالن های مخصوصی برای کارگران جوان که تقریبات سالمی داشته باشند ایجاد شده است بهترین نمونه خدمات ارزنده دولت است و همچنین اقداماتی که در جهت کمک به کارگران برای اینکه خودشان نشریات کارگری داشته باشند بفتح کارگران بوسترهای مخصوص ورزشی، ایجاد باشگاههای کارگران که در روزهای جمعه کارگران بتوانند خودشان و خانواده شان دارای تقریبات سالمی باشند، و بالاخره یک نکته مهم، صندوق تأمین آموزش فرزندان کارگران است برای کارگر ایرانی قبل از انقلاب جزء اوام و تخیلات بود و دولت توانسته است در این مورد موفقیت های

بسیار قابل توجهی بدست بیاورد و نه تنها در این مورد بلکه در مورد پرداخت هزینه های تحصیلی فرزندان کارگران در دبستانها و دبیرستانها موفق شده است. و امادان دانشجویان در مدارس عالی آموزشی و دانشگاهها در حال حاضر که ۸ درصد آنها فرزندان کارگران تشکیل می دهند و اینها می توانند از کمک دولت از کمک صندوق تأمین آموزشی کارگران استفاده کنند و بمحض اینکه یک فرزند کارگر در یک مؤسسه آموزشی عالی موفق بشود بلافاصله میتواند پول تحصیلش را شهریه و پول کتابش را از صندوق تأمین آموزش کارگران دریافت کند.

من راجع بمسأله آموزش عالی و جوانها یکی دو پیشنهادم دارم و امیدوارم مورد توجه دولت قرار بگیرد. من راجع بسایر پیشرفت های دولت که خوشبختانه بسیار زیاد است اگر بخوام بگویم طول می کشد. کاخهای جوانان، پیش آهنگی، تربیت بدنی، خود حزب ایران نوین در سازمان جوانان، من پیشنهاد می کنم تمام مؤسساتی که در امر جوانان، مؤسسات دولتی و احیاناً ملی که همه دارای هدفهائی معین هستند اینها، این پیشنهاد را مورد توجه قرار بدهند.

۱- هماهنگ کردن کلیه امور مربوط ب جوانان در زمینه استراتژی ملی، چون تحکیم مبانی ملی و آرمانهای میهنی و تعمیم سرویس های رفاهی.

۲- استفاده از متخصصین با سابقه، با صلاحیت کار آزموده، دلسوز در مورد برنامه ریزی و هدایت و ارشاد جوانان در جهت منافع ملی.

۳- استفاده هر چه بیشتر از انجمن های خانه و مدرسه در وزارت آموزش و پرورش و گفت و شنود با اولیاء دانشجویان در مراکز آموزش عالی برای توجیه مسائل ملی و میهنی آنان و آگاهی از وضع خانوادگی جوانان.

۴- هشدار ب خانواده ها که بچه ها را در دامان خانواده طوری روشن کنند که بمسائل ملی و میهنی آگاهی یابند و تحکیم مبانی ایدئولوژی ملی در خانه و مدرسه از طریق توسعه انجمن های خانه و مدرسه.

۵- آخرین مطلب را عرض کنم و مزاحتم را کم کنم. دولت یک کار بسیار ارزنده ای انجام داده است

که تا بحال بی سابقه بوده است و من بدولت جناب آقای هویدا تبریک می گویم و آن اینست: ایجاد مرکز و افتتاح مرکز مطالعه هدفهای ملی و میهنی در وزارت آموزش و پرورش است. میدانید این مرکز هدفش چیست؟ رسیدگی بمسائل ملی و میهنی در سطح جوانها و بررسی و تعمق و خوض و غور راجع بافکار معلمین عزیز در جهت هر چه بیشتر تعمیم دادن هدف های ملی و استفاده از متخصصین که در این مرکز هستند برای آنکه هر یک از جوانان مملکت را از دانش آموزان و دانشجویان بصورت یک حصار محکم و سد آهنین در برابر نفوذ احیاناً افکار ناپسند بیگانه پرستان در این مملکت وجود ندارند ولی احیاناً همانطور که عرض کردم در خارج از ایران تعدادی از افرادی که شناسنامه ایرانی در جیب دارند ولی ایرانی نیستند وجود دارند در آورند و اینکار باعث خواهد شد تمام افکار پلید و پوسیده و احمقانه آن افراد از بین برود و آن افراد بدانند که آنچه میکنند آب در دهان کوفتن است و محال است بتوانند افکار پلید و ناجوانمردانه و خائشانه خودشان را از طریق نشریات نمی دانم، از طریق رادیو پیک خیانت، نمیدانم یا از طریق دیگر بهر حال محال است با ایجاد چنین مرکز و ایجاد هدف های ملی بتوانند در سطح فکر جوان ایرانی رسوخ پیدا کنند (احسن - احسن).

رئیس - آقای فضائلی بفرمائید.

**فضائلی** - جناب آقای رئیس، جناب آقای نخست وزیر و هیأت محترم دولت همکاران گرامی امروز هیچ تردیدی باقی نیست که انقلاب شاه و ملت کشور ما را در مسیری افکنده است که دیگر در آن سستی و رکود و توقف و حرکت لنگ لنگان جاست نیست (صحیح است) و اگر عواملی هنوز وجود داشته باشند که نتوانند سرعت حرکت خود را با حرکت انقلاب اصیل و پرتوان ایران همراه کنند و هماهنگ سازند ناگزیر از گردونه خارج خواهند شد و به بیرون پرتاب خواهند شد و باید هم چنین باشد. فرمانهای انقلابی شاهنشاه بنا بر ویژگیهای بنیادی که دارد بعضی در همان جهش نخستین ناسامانیتهائی را که وجود داشته است و موضوع و هدف آن انقلاب بوده است پایان داده است که از آنجمله است الغای رژیم ارباب

ورعیتی و فرمانهائی که مربوط است به بازگرداندن آنچه ودیعه خدائی است و آنچه که از آن ملت است، بملت ایران. اما باز بنابر خصوصیات طبیعی و نهادی بعضی از فرمانهای دیگر اقتضاء داشت که طی مراحل در طول مدتی متناسب و بعضی حتی برای همیشه دنبال بشود مانند اعزام سپاهیان انقلاب-انقلاب آموزشی، چنانکه شاهنشاه فرمودند، يك انقلاب همیشگی است و انقلاب اداری. بهر حال مدتی باید مراحل اساسی خود را بپیماید و به نتیجه قطعی برسد اما در میان همه اینها انقلاب اداری از آن جهت که خود يك وسیله برای اجرای بسیاری از مواد انقلابهای دیگر است حساسیت و اهمیت بسیار دارد و باید فراموش نکنیم که شاهنشاه در این باره فرموده اند که متأسفانه در میان همه انقلابهای شاه و ملت انقلاب اداری پیشرفتی نداشته است بنده قصد ندارم که درباره عیوب و نقایص دستگاه اداری امروز چندان صحبت بکنم بخصوص که هم مسلک بسیار عزیز آقای عبدالحمین طباطبائی در طی اشاراتی بسیار دقیق و جامع بیاناتی فرمودند علاوه شخصاً معتقد هستم که ذکر و تکرار عیوب و نقایص موجب میشود که بشنیدنش عادت کنیم و اهمیت آن در اذهان ما کم بشود لذا میخواهم بحث را حتی الامکان باین مسئله بکشانم که چه موجباتی پیش آمد که مادر کار انقلاب اداری - آنچنانکه در سایر فرامین انقلاب پیشرفت داشته ایم پیشرفت نکرده ایم - توجه باین دو نکته که اولاً رفرم و دیگر گونی و اصلاحات اداری اصولاً يك مطلبی است که باید طی مدتی صورت گیرد و حتی در ممالک بزرگ دیگر مثل آمریکا وقتی باین کار دست زدند ۳۰ سال طول کشید ولی باین حال شاهنشاه این موضوع را بعنوان يك مسئله انقلابی عنوان فرمودند و نکته دیگر که انقلاب اداری و انقلاب آموزشی که ظاهراً هر دو منفک از یکدیگر هستند و هر دو اهمیت آنرا دارند که بعنوان يك اصل جداگانه اعلام بشوند در يك فرمان اعلان شده است باید ما را متوجه يك نکته خاصی کند و آن نکته این است که اولاً در کار رفرم و اصلاحات اداری کشور ما يك نکته انقلابی وجود دارد و با احتمال قوی آن نکته از مقوله آموزشی است بنده در این موضوع نمیخواهم درباره آموزش ضمن خدمت و مسائلی از این قبیل که همه واجب است و لازم صحبت بکنم و لذا

احتیاج دارم که در این باره يك مقدمه ای را مربوط به ریشه و اساس مشکل اداری بعرض شما برسانم. نه فقط در ایران در همه ممالک دنیا آنگاه که دوره استبداد بود مأمور دولت معنی خاصی داشت که در آن معنی و مفهوم هم مأمور دولت و هم مردم با آن متفق بودند چه مردم چه مأمور دولت از کلمه مأمور دولت این استنباط را داشتند که یکی برود حکمروائی بکند و دیگری بگوید پول بگیرد هیچگونه وظیفه ای را برای مأمور دولت نه خود قائل بود نه دیگران قائل بودند حتی اگر جلوی دزدان و متجاوزین را می گرفت برای این بود که به حریم قدرت او تجاوز کرده بودند. این سابقه مأمور دولت در همه جای دنیا و از جمله در کشور ایران در زمان استبداد بود مرکز استبداد يك ناحیه ای را يك نفر می سپرد او میرفت هر کار که دلش میخواست میکرد هیچگونه کنترلی در کار نبود اگر کنترل بود برای این بود که آن سهمی که بمرکز فرستاده چرا کم داده است او هم زیر دستهای خود را بهمین ترتیب انتخاب و مأمور میکرد البته يك چیز وجود داشت که آنها را کنترل میکرد و آن دیانت و مذهب بود و الا قوانین از نظر عرفی در میان نبود مشروطیت و انقلاب مشروطیت آمد که این وضع را عوض کند و خواست که مردم مأمور دولت را بعنوان مأمور خدمت بشناسند و مأمور دولت وقتی میرود بسر کار خود هم خدمت بکند و هم در ازاء خدمت خود چیزی از مردم توقع نداشته باشد و بجای اینکه سهمی بمرکز بفرستد بعکس دولت حقوق او را تأمین کند اما متأسفانه با وجود اینکه ما در آستانه دهه هفتم مشروطیت هستیم هنوز این فکرچه در مردم و چه در عده ای از مأموران دولت هست که فکر می کنند که مأمور دولت حاکم است فکر میکنند آنها مجبور بانجام خدمت نیستند و حتی مردم هم همینطور فکر میکنند مأمور دولت فکر میکنند که میتوانداشکال تراشی بکند میتواند تملل و مسامحه و بی اعتنائی بکند مردم هم همینطور فکر میکنند (صحیح است) (دکتر رهنوردی) - هیچ هم صحیح نیست) ملاحظه میفرمائید اشخاص و ارباب رجوع میروند پیش مأمور دولت البته من وقتی میگویم مأمور دولت مقصودم وزراء نیستند دستگاه اداری مملکت است و بنده هم یکی از آنها بوده ام و هر وقت از مجلس بروم جزو آنها بر میگردم و چون از خود انتقاد میکنم

تصور میکنم این انتقاد صحیح تر باشد و لا اقل شما که اکثریت تان مأمور دولت نیستید باید در مقابل انتقادی که از خود میکنم آرامشتان بیشتر باشد شما بسیار می بینید که اشخاصی میروند نزد مأمورین دولت خوش آمد میگویند که شما خیلی آدم خوبی هستید بفرمائید آقای کنید بزرگواری بفرمائید این کار بنده را بفرمائید انجام بدهند بکمر من خواهم شداگر کارش پیش نرفت واسطه میتراشد توصیه میآورد و باز اگر پیش نرفت مسئله رشوه و ارتشاء پیش میآید ملاحظه بفرمائید تا حال نشده برای يك خدمت فروش مانند خیاط، کفش دوز توصیه بیاورد یا تملق بگویند تقاضا بکند، استدعا کند چرا؟ برای اینکه هنوز در افکار عمومی از يك طرف و انتظارات مأموران دولت از طرف دیگر این هست که باید بنابر استدعا و تقاضا خدمتشان را انجام بدهد در صورتیکه مأمور دولت وظیفه دارد که خدمت انجام بدهد بخاطر انجام همان خدمت حقوق میگیرد.

آن نکته انقلابی که در مسئله انقلاب اداری وجود دارد همین است که ما بتوانیم همه مأموران دولت را و هم همه مردم را معتقد کنیم که مأمور دولت مأمور خدمت است او موظف است خدمت کند متأسفانه تا کنون یعنی از صدر مشروطیت تا کنون این انقلاب فکری حاصل نشده است حتی ملاحظه بفرمائید که کارمندان خیلی خوبی هستند که زحمت میکنند کار مردم را خوب انجام میدهند اما خوب توجه کنید مثل اینست که واقعا يك بزرگواری میکنند نه این که يك وظیفه ای است که باید انجام بدهند و در مقابلش پول میگیرند مسلماً يك چنین انقلاب فکری و آموزشی که بآن اشاره کردم و عرض کردم و ادعا میکنم که هنوز آن رسوخی که باید در مغزها و در اذهان پیدا بکند پیدا نکرده است. این انقلاب فکری با بخشنامه یا دستور حتی با وضع قوانین اگر وضع قوانین بصورت عادی باشد امکان پذیر نیست باید يك کار انقلابی را بایک روش انقلابی انجام داد برای اینکه منظور را بهتر بتوانم بیان کنم این بار بجای يك نماینده اکثریت يك کار انقلابی اصلی که همین ایام یعنی در اول مهرماه انجام گرفت و اخیراً در روزنامه ها منعکس بود شرح میدهم و آن اینست که اینکار بنظر من

یکی از پایه های اجرای انقلاب اداری است که از طرف شورای عالی استخدام ریخته شده اطلاع دارید که در بیشتر انتصابات و احراز مشاغل و مناصب در وزارتخانه ها يك ملاک و اساس معینی نداشت. وزراء اتفاقاً اگر چند نفری را می شناختند بکارهایی منصوب میداشتند بعضیها هم که خوب بلدند چم و خم بکنند، تعظیم و تکریم بکنند، زود در اتومبیلها را باز بکنند، خوب بعنوان مأمور خوب و زرنگ معرفی میشدند بعضی از وزراء هم که میخواستند بای نظری عمل کنند بکده از مطلعین وزارتخانه را جمع میکردند بعنوان شورای عالی کارگزینی مطالعه بکنند که آنها هم ملاک نداشتند که اصلاً چه مأموری خوبست و مأمور خوب چه شرایطی باید داشته باشد خوشبختانه در قانون استخدام مقرر است شورای عالی استخدام باید شرایط احراز مناصب و مقامات را تعیین و بوزارتخانه ابلاغ کند و بمحض ابلاغ اگر برخلاف آن شرایط انتصابی بعمل بیاید آن رئیس کارگزینی قابل تعقیب است حتی و زبروزارتخانه نیز مسئول است. مسلماً در دستگاه اداری چند نفری پیدا میشوند که همیشه مراقبت و دقت دارند چه کاری خلاف قانون است و در موقع مناسب اگر تخلفی ازین مواد صورت بگیرد بدیوان کیفر مراجعه بکنند و آن رئیس کارگزینی را تعقیب کنند. امروز بعد از مهرماه بنظر من وضع رؤسای کارگزینی وزارتخانه ها بصورت وضع ذبحسابها در آمد همانطور که ذبحساب مسؤول است و باید مراقب باشد ببیند این اسناد درست است یا نه اجازه خرج داده شده در بودجه اعتبار بوده است رئیس کارگزینی هم همین نقش را پیدا کرده است اما نکته انقلابی که من بخاطر آن مطلب را عنوان کردم و باز از کار دولت نمونه گرفتم همان نکته است همیشه در دستگاه دولت و بین مأموران کسی هست که مراقب باشد و اگر ببیند تخلف شده و حق او را بدیگری دادند و این حق را نداشتند تعقیب کند و ازین بعد کارمند دولت پلیس حق خود خواهد بود، پاسدار حق خود خواهد بود. جناب آقای نخست وزیر اگر شما يك تربیتی اتخاذ بفرمائید که مردم هم بتوانند پاسدار حق خودشان باشند پلیس حق خودشان باشند بمحض اینکه ببینند مسامحه ای در ادای حقشان شده است و بیک جایی نزدیک و در دسترس با سهولت بتوانند



مراجعه بکنند و حق خودشان را بگیرند مطمئن باشید که هم خود مردم از این بعد حق خودشان را خواهند شناخت و حدود حق خودشان را خواهند دانست و هم کارمند توجه خواهد کرد که او مأمور انجام خدمت است فی المثل شخصی مالیاتش را پرداخته و میخواید مفاصحا حساب بگیرد مطابق استانداردی که تعیین شده این کار در یکساعت باید انجام شود ولی عرض دوسه روز بیاید و برود بعد معلوم بشود که او میتوانسته یکساعته مفاصحا حسابش را بگیرد ۲-۳ روز بیهوده او را معطل کردند، همانجا در دستگاه يك مرکزی باشد که برود آنجا شکایت بکند که من ۳ روز میروم و میآیم ولی متأسفانه کاری نمیکنند من روزی ۴۰ تومان کسب میکنم که سه چهل تومان میشود ۱۲۰ تومان و از کسب افتاده ام، همان دادگاه بررسی بکند و آن ۲۲۰ تومان را از حقوق آن کارمند که بیهوده موجب معطلی او شده کسر بکند و بیاورد. اگر این کار را عملی کنند چند مورد تعقیب شود مردم بحق خود برسند اساساً برداشت مردم نسبت بدستگاه اداری عوض خواهد شد دستگاه دولت هم وقتی شکایتهار اید متوجه میشود که باید نسبت بهبود وضع اداری اقدام بشود (اسلامی نیا - بازرسی شاهنشاهی بشکایات رسیدگی میکند) آقای اسلامی نیا بازرسی شاهنشاهی برای مرحله نهائی است يك مثال میزنم تا توجه بیشتری بعرض من بکنید البته مثال هیچوقت نمی تواند جامع تمام اجزاء و افراد باشد ولی میتواند يك نمونه ای نشان بدهد که روی آن نمونه مطلب روشن تر بشود ما در وزارتخانه ها يك دادگاه اداری داریم فرض میکنیم پیشنهاد قطعی نمیکنم برای اینکه مطلب روشن تر بشود بعرض میرسانم، فرض بفرمائید که يك ترتیبی بشود که اجازه ای گرفته شود که این دادگاههای اداری تعدادشان بحد کفایت برسد مثلاً موظف

باشند بشکایت مردم رسیدگی کنند. شخصی آمده است نسبت به مأمور دولت و بی توجهی او با پامال کردن حق خود شکایت کند فوراً رسیدگی کنند و رفع شکایت کنند آنوقت برداشت مأمور دولت در برابر خدمتی که باید انجام دهد عوض خواهد شد و دستگاه وقتی دید چنین عیبی در کارش هست و مرتباً موجب شکایت و محکومیت کارمند میشود و تحقیق میکند و علتش را برطرف میکند - با اعتقاد من این روش که در کار انتصابات البته قانون هم بشما کمک کرده بود اگر در روابط مردم و دستگاه دولتی این روش را اجرا بکنید طوری میشود که هر کس مطمئن میشود که بحق خودش خواهد رسید. جناب آقای نخست وزیر آن آرزویی که شما دارید و آن رنجی که شما میبرید که در بین همه کارها انقلاب اداری آنطور که باید پیشرفت بکند نکرده است تاجائی که بصورت ۴ فرمان اخیر منتهی شده فکر میکنم باید دستگاه اداری صادقانه بر این اساس عمل بکند و مردم را بگذارد که بتوانند حق خود را بگیرند و این يك انقلاب واقعی را در دستگاههای دولتی و دستگاههای اداری ایجاد نمایند در اینصورت برداشت و تلقی مردم را در گون خواهد ساخت بهبود کارها و تصحیح روشهای اداری اشاره میگردم مثل اینکه ساعت جلسه پایان میرود و بنده اگر بخوام مطلب را شروع بکنم ناتمام خواهد ماند.

#### ۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس آقای فضائلی مطالبشان را در جلسه بعد ادامه خواهند داد. با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنم جلسه آینده ساعت ۴ بعد از ظهر خواهد بود.

(جلسه در ساعت يك بعد از ظهر ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی